



اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کنید!

هموطنان عزیز!

رژیم جمهوری اسلامی انتخابات چهارم را در دوره ریاست جمهوری را اعلام کرده است. انتخابات در حالی برگزار می شود که رژیم ارتجاعی خمینی از هیچگونه تمهیدی برای علیه مردم فروگذار نیست. جنگ طلبی خمینی و دیگر سران مرتجع و ضد مردمی رژیم، کشور را در آتش و خون و فلاکت فرو برده است. کلان سرما به داران و زمینداران بزرگ درجاست ستمگران حکام جمهوری اسلامی و قوانین آن به غارت و استعمار و جپا و لگری افسار گسیخته منولند، درهای اقتصاد کشور چها رطایب به روی مبریا لیستها باز شده است. هر حقی پایمال و هر مدای مخالفی با سرکوب و سرشیزه مواجه است. قضا و شوقییب، بازداشت و شکنجه و قتل و اعدام مخالفین به سیاست اصلی رژیم برای حفظ حکومت قدرمدمی، شوم و ارتجاعی جمهوری اسلامی میدل کرده است. احزاب و سازمانهای انقلابی و مترقی و حشیانسه موردتجاهم قرار گرفته، انقلابیون میهن پرست دست دسته به گلوله بنشسته می شوند. تمام میشریات مترقی توقیف شده، هر قلمی شکسته و هرفریس آزا دیخواهی می سرکوب می گردد، اعتراضات کارگران و دهقانان را و قضاار مختلف مردم برای دفع ازان حقوق ابتدایی خود دستتیبایی به خواستهای اقتصادی، سیاسی و غیره با سرکوب و گلوله و زندان روبرو است. حق هرگونه تشکل و حرکت و فعالیت آزادانه ای از مردم سلب گردیده است. انتخابات در شرایطی برگزار می شود که احزاب و سازمانهای انقلابی و مترقی کشور تمام از حقوق شرکت در آن محرومند. تنها کسانی اجازه دارند در انتخابات شرکت کنند که نور چشم و مورد پسند شورای نگهبان ارتجاع و از حاکمان رژیم استبدادی و ارتجاعی ولایت فقیه باشند. با شند، با گاندهای شورای مورد تایید رژیم نیز جز کسانی از قماش خا منهای نیستند، کسانی که دستشان تا مرفق به خون فرزندان و هموطنان آلوده است، کسانی که خاشاک به انقلاب و دشمن مردم اند.

رژیم هرگونه نشانی از آزادی انتخابات را لگدکوب کرده است. خطابه ها، مطبوعات، رادیو و تلویزیون، همه برای حزب جمهوری اسلامی، سپاه و کمیته و غیره، همه همه دست اندر کارانند تا با ریب توده ها و تحمیل و تقلب، مردم را از آزادی و حقوق مندوقهای رای بیرون بکشند. هدف برگزاری این نما یی انتخابی نیز فریب مردم و مشروع جلوه دادن این رژیم جنایتکار و انتصاب رییس جمهوری بیگانه آن است. هم میهنان مبارز!

در شرایطی که حاکمیت ارتجاع، کشور را به نابودی می برد، در شرایطی که ابتدایی ترین حقوق و آزادیهای مردم پایمال می شود و هیچ امکانی برای یک انتخابات آزاد و واقعی وجود ندارد، تنها پاسخ نیروهای انقلابی و آزادیخواه میهن پرست کشور، تحریم این خیمه شب بازی انتخاباتی است. توده های وسیع مردم مبارز میهن ما با عدم شرکت در این مضحکه انتخاباتی دشمنی خود را با حکام جمهوری اسلامی اعلام می دارند. تحریم انتخابات ریاست جمهوری عرصه ای از مبارزه علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی است. ما شوراهای نهضت آزادی در برخورد با شما پیش انتخاباتی رژیم مستبد حاکم متوجه انحراف مبارزات مردم ایران از مسیر اصیل انقلابی است. هدف نهضت آزادی از این ما شوراها پیش را ندن مقاصد تنگ نظرانه سیاسی خود در نظام جمهوری اسلامی ایران است. اینان تلاش دارند تا مبارزه گسترش یافته مردم علیه رژیم را به بیراهه بکشند. اینان سودایی مردمی در سر ندارند، هدف اصلی شان سهم شدن در این رژیم فاسد است. رژیمی که متکی بر ستم و استعمار و نابرابری اجتماعی و استقلال شکنی است.

در شرایط اوج گیری خشم و نفرت شما از رژیم قرون وسطایی دارو دستهای سلطنت طلب مذبحخانه تلاش می کنند جنایات خویشت را در جبا بپیکار میهنی

جمهوری اسلامی پنهان سازند. آنها برای بازگرداندن سلطنت و پهن کردن بساط جپا و لگری و ستم خود تبلیغات می کنند. با همه شان سیاسی بلیدیه آنها و افشاء کننده و هر کجا آنها را در کنار مرتجعین حاکم آماج رزم خود قرار دهید.

مردم مبارز ایران!

با تحریم یکپارچه انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری، مبارزه توده ای علیه آرتراکتره ستم و نیرومند ترسایم. خیمه شب بازی انتخابات را به صحنه افشای بی مان جنایات رژیم خمینی بسدل کنیم. چهره آزادی کش فسق کج جنگ طلب و ضد مردمی رژیم را در بین مردم و در انظار جهانسی هر چه بیشتر بر ملا سازیم.

این رژیم دشمن آزادی و دشمن مردم است. تا این رژیم استبداد ارتجاع برقرار است، هیچگاه آزادی واقعی و انتخابات واقعی از وجود نخواهد داشت. حکومت مرگ خود را در انتخابات آزادی مردمی می بیند.

فداییان خلق ایران - شما را به تحریم انتخابات ریاست جمهوری دعوت می کنند. مبارزه شما نه شما در نمونه های چون اعتماد دوب آهن و نظرات فدننگ محله ۱۳ آبان پشت رژیم الزاننده است. این بازیها عدم شرکت خود را در انتخابات و تشویق دیگران به عدم شرکتی دندان شکن به خیمه شب بازی رژیم بدهید، پروا انتخابات پای صندوقهای رای حاضر نشوید!

پیروزی ما مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ۲۵ خرداد ۱۳۶۴

میان بخش بزرگی از مردم صرفا به اتکا تجربه مشص خود و بیخود نگینخته و سازمان نایافته انتخاباتی حکومتی را تحریم می کنند. و رستگان سلطنت طلب این بازیها خواهند کوشید که اولاً بیکار خود را نگینخته توده ها علیه رژیم جمهوری اسلامی را زیر تا شریک بگردند و با مظلوم پر مواج آن سوار شوند، ثانیاً ضرورانه و به کمک مکانات وسیع تبلیغاتی که امپریالیسم و ارتجاع منطقه در اختیار آنها می گذارد می کوشند عدم شرکت مردم در انتخابات را نشانه نفوذ خود در میان مردم قلمداد کنند و به حساب خود بنویسند. افشای این فریبکاری شاه پرستان مغفوریک و وظیفه انقلابی است.

نیروهای انقلابی بر بیست رشتناختی که توده ها از سلطنت و سلطنت خواهان دارند به آسانی می توانند هدفها و نقشه های آنان را برای مردم تشریح و افشاء کنند. اما انجام این وظیفه قطعاً در گردن درگاه اهمیت و ضرورت آن است. چه بسا افشاء تلاشی آنان کم بهما داده شود. آنان نیز خواستار همین ساد ه هستند چرا که تنها بر بیست رشتناختی و اشتباه ما امکان می یابند به مسموم ساختن اذهان بپردازند.

امروزه سخن گفتن از هر وظیفه جدی فرا روی نیروهای مردمی ضرورتاً لزوم تا کید مگر بر اراحتا دو همگاری را پیش می آورد. واقعیت این است که تفرقه به اندازه خطرناکترین دشمنان جنبش بر ما ضربت وارد می کند، محاسبه کنید که اگر سازمانهای انقلابی و مبارز کشور ماطی یک موضع گیری مشترک انتخاباتی فرمایشی را تحریم می کردند و امکانات خود را بطور هماهنگ در خدمت بسیج مردم و جلب آنها به شعار خودی قرار می دادند تا چه اندازه منظره تغییر می کرد و تا چه اندازه اعتماد توده ها به ابوزیبیون متردمی تقویت می گشت. متأسفانه هراس و بنا بیکسری برخی از نیروها مثل مجاهدین و گروههای چپ از اتحاد همگاری نیروهای ملی و دموکراتیک مانع بسیار جدی در این راه است. با این همه ما فکرمی کنیم آماج های مشترک نیروهای ملی و مردمی کشور ما زمینه ساز نزدیکی ناگزیر افشاء و فعالین و هواداران این سازمانها در عرصه بیکار است. تشکل گیری روند "اتحاد عمل" در پایین خود متعین کننده ضرورت عینی همگاری و اتحاد عمل سازمانهای ترقیخواه و مبارز است و به نوبه خود ضرورت غلبه بر راههای افشاء کننده ای را که در بالا زان تا وجود دارد. بیظهور جدی شود در سطح گسترده تری مطرح خواهد ساخت.

تحریم یکپارچه انتخابات آزادی از سوی سازمانهای مبارز و انقلابی و اشکالی وسیع آن در میان توده ها اقدامی جدی در افشاء و انقراض رژیم، و به نوبه خود در خدمت بسیج یکپارچه مردم علیه جمهوری استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی است.

نهضت آزادی تیرکافی است تا غوغای آبرواز آزادی روشن سازد. نهضت آزادی مثل سایر جریانه های مشابه بورژوازی قبل از هر چیز خواهان آزادی برای بهره کشی و غارت خداوندان سرما یه است و آنچه را قابل معامله نمی داند نیز زمین است. در مقابل آزادی توده ها، آزادی تشکل توده ها و آزادی سازمانهای انقلابی مدافع رنجبران، و بیظهور مشخص آزادی پیشاهنگ طبقه کارگر رساله ای است تنها باعث هراس آن می شود. در مقابل نهضت آزادی با ولی مرتجع که خود تجسم کامل استبداد است کنار می آید و در چارچوب جمهوری اسلامی به مختصات قرون وسطایی به دفاع از آزادی می پردازد. آقایی بازرگان حتی با پیش تشر می گذارد و طی مصاحبه ای یکی از نشریات غربی مدعی می شود که "مردم جمهوری اسلامی را بر سایر رژیمها ترجیح می دهند". بدین ترتیب آماج های سازگاران خود را به آماج های مردم جا می زند.

هدف اساسی نهضت آزادی از یک بندگداری علم آزادی، دفاع از منافع بهره کشان و منحرف کردن مبارزه مردم در سمت آماج های بورژوازی و سازگاران خویشت است. محتوای عملی و مشخص آزادی خواهی نهضت آزادی در شرایط کنونی به کسب آزادی برای خود محدود می شود. این جریان با شرکت در کارزار انتخاباتی تیر علم آزادی و هدف عمده رای می گیرد: اولاً از این راه می کوشد تا مردم را نسبت به خود جلب و میدور و ساز زد و بپرچم دروغینش را در این اعتراضات مردم بلا کند، ثانیاً تلاش دارد که در انتخابات شرکت داده شود و از این طریق هم خود را وسیع تر مطرح سازد و همراهی به سوی شرکت در حکومت بگیرد. قابل تصورات که اکثر نهضت آزادی در انتخابات شرکت داده شود، در حالی که در مقابل آن جز مشت آیدمخوار منقور قرار دارند، امکانات بیشتری برای تا شریکداری با زدارنده در میان مردم می یابد. چنین حالتی در جهت مقابله با تا کتیک تحریم مورد دفاع سازمانهای انقلابی و مردمی و در جهت مقابله با روند تروپه اوج پیکار توده ها علیه رژیم استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی است. با توجه به همه این حقایق افشاء مانوهر و ادعا ها و تحلیل های من در آورده "نهضت آزادی" در زمره وظایف بسیار جدی سازمانهای انقلابی و مبارز قرار دارد.

تشنه تاش پرستان افشاء نقشه ها و تلاشی سلطنت خواهان در همه حال یکی از وظایف جدی نیروهای انقلابی است. این وظیفه در کارزاری که حول انتخابات جریسان می یابد نیز زمینه ضرورت جدی دارد. اکثریتی عظیم مردم ایران اعتراضات و مخالفت خود با رژیم و سیاستهای ارتجاعی آن را با امتناع از شرکت در انتخابات بروزی دهند. در این

لذات که محتمل ... بقیه از صفحه اول می کنند. تنها رای دهندگان قابل اعتماد حکومتیان خودشان و سپاهیان و کارگران و جاقوکان و جیره خواران را شناسایی می کنند. روش رژیم برای افزایش آرای آنها، اساساً اعمال زور و تهدید و ارباب است. در بهترین حالت ما شین های سپاه و ارتش و بسیج را می فرستند تا از روستا های دور و نزدیک شهرها را شریک سازند. هزار وعده و حیلله جماعتی را پای صندوقها بکشند. علاوه بر این در پناه ریش و عمامه و به کمک بیوق های شیطان خود به هزار فریبکاری دست می زنند که شاه بیت آنها تعیین تکلیف شرعی است!

با اینهمه حکومتیان اینجا و آنجا به منظور چهره آرای و فریب خلقها از انتخابات آزادی هم حرف می زنند. برای آنها شرکت مردم در انتخابات کنونی و در برکتها و یسهای همانند بسیار پرا اهمیت است. خلیفه جماران و دولتداران وی با رها گشته اند که مردم خزانه جمهوری اسلامی هستند! آنها سسای می خواهند جنگ با عراق و لشکر کشی علیه سازمانهای ترقیخواه و غارت دسترین و خزانه مردم را به صاحب همین خزانه یعنی به حساب خود مردم انجام دهند. آنها از شرکت هر چند اندک عده ای در نما یسها و فرخواستهای خود بهره می گیرند تا نشان دهند هنوز تنهای تنها نشده اند. همین مصلحتها سبب می شود که رژیم تلاش کند، بهر حال عده ای را پای صندوق ها بکشند، به همین منظور اینجا و آنجا استبداد مطلق قرون وسطایی را "آزادی" می نامند و چنین وانمود می کنند که خود مردم آزادانه به نامزدهای ولی مرتجع برای پستهای حکومتی رای می دهند! ما شوراها و هدفهای "نهضت آزادی"

از همان آغاز طرح مساله انتخاباتی ریاست جمهوری، نهضت آزادی علم آزادی به کسب پای در کارک تبلیغات آنها دویا قافیه "آزادی به مشا عره با استبداد حاکم مشغول شد. از این جریان بهمنابه یک حزب بورژوازی و لیبرال از نزدیکترین همسایگان سیاسی جمهوری اسلامی است. آماج های اقتصادی - اجتماعی نهضت آزادی در اساسی ترین وجوه با آنچه در جمهوری اسلامی پیش می رود انطباق ندارد. سرما به دارانی که پایگاه آن هستند، امروز در پناه حکومت کیهنهای خود را بر می کنند و از این نظر کمیودی ندارند. بر همین پایه مشغول متعین اختلاف نهضت آزادی و حکومت بطور عمده به نقش و سهم نمایندگان جریانهای مختلف بورژوازی در حکومت و هدف تشکل دولت و روش حکومت و چگونگی اداره مور بر می گردد.

آقایی بازرگان همان وقت که نخست وزیر بودند برای مردم به اندازه کافی روشن کردند که در صورت استقلال و عدالت اجتماعی حرفی بیشتر و بهتر از آنچه رژیم می زند، ندارند و ما در مورد "آزادی" چه می گویند؟ تنها رجوع به فعالیت تبلیغی اخیر می

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

با گسترش اعتصابات و تظاهرات علیه جنگ، صلح را برقرار سازیم

مردم مبارز ایران!

حملات نظامی تازه رژیم جنایتکار و خمینی به خاک عراق و بمباران مردم شهرهای کشور ما توسط رژیم جنایتکار عراق، با بردگی و سرکوب مردم است. از آسمان ایران بر سر مردم خسته و متشنفراز جنگ، باران مرگ می بارد، بمبهای صدام جنایتکار خانه و گاشانه مردم را در هم می کوبد و انسان را در خواب و در بیداری به خون می کشد. هربم مردم در انتظار زندگی پیک صدام بلید در خانه اتان را ببینید و دوستی اتان را بسوزاند. دلهره و اضطراب و احساس بی پناهی مردم تا آنجا است که هر شب چند میلیون مویطن شهرنشین ما خانه های خود را می کنند و به طرف شهرها و بیابانها روی می آورند تا شب را به سلامت بیری کنند.

خود را از برقراری آتش بس و آغاز مذاکرات صلح توسط رژیم خمینی، هربا مروج تنازای ایمنباران مناطق مسکونی را برای رژیم ایران به ارفغان می آورد. هربا رژیم جنایتکار عراق، به این بهانه فرصت می یابد تا برخانه و گاشانه مردم بی دفاع ما در شهرها بمب مرگ فروریزد و در هر روز صدها خانواده ایرانی را در ماتم عزیزانشان بنشانند. حملات جنون آمیز نظامی خمینی به خاک عراق هزاران نفر از جوانان میهن ما را به کشتن می دهد تا آتش جنگ را شعله ورتر سازد.

همان جنایتی که رژیم عراق با مردم ایران می کند، خمینی آنرا در عراق تکرار می کند. بمب مردم ایران هم جنایت صدام و هم مقابله بمبها جنایتکارانه خمینی را محکوم می کنند. مردم ایران عراق از هر دو رژیم متنفرند، این رژیم های یکی از دیگری نفورترند. این دو رژیم می کشند در مسابقه جنایت و خیانت بربیک دیگر سبقت بگیرند.

هم میهنان عزیز!

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در همان حال که علیه رژیم جنگ افروزمی جنایتکار می کند، جنایات ضد مردمی عراق را پیگیرانه افشای می کند، قطع مقطعی بمبارانهای هوایی توسط

پیام به خلق پیا خاسته کرد به مناسبت ششمین سالگرد تهاجم رژیم به کردستان خلق مبارز کرد!

با فرارسیدن تیرماه، شش سال از یورش وحشیانه و خونین جمهوری اسلامی به کردستان کردستان می گذرد، جمهوری اسلامی و حکم جنایتکار آن ستمگر و زورمگرم و ویرانی هیچ چیز دیگری برای شما نداشتند. سبها گها رها و جنایات و محنتی که طی این مدت به فرمان خمینی بر شما مردم محروم زجر کشیده کردستان روا شده، بی سابقه بوده است. آنان در این مدت با هجوم نظامی به سرزمین کردستان، هزاران نفر از مردم کردستان را به شهان رسانده و دهها هزار نفر از هم میهنان دیگر ما را کشته اند. آنها در منشته همه حقوق ملی مردمی خلق کردستان را لگدمال می کنند. سبها سبها سبها سبها خونین هرندی حق طلبانه، اساس سیاست رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با مساله کردستان است.

رژیم جنگ افروزمی، با اادامه جنگ با شما براندا از ایران و عراق مقاصب بی شماری را به مردم میهن ما تحمیل کرده است. اادامه جنایتکارانه جنگ و خونریزی توسط حکم جمهوری اسلامی و جنایات رژیم ضد بشری صدام در بمبارانهای بی دریغی شهرهای بی دفاع و مردم محروم کردستان، جانهای عزیزان بی شماری را طعمه خویش ساخته و خانه ها و گاشانه بی شماری را سوخته کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی، بنابه ماهیت ارتجاعی و استبدادی خویش، بنا بر هکونه آزادی و آزاداندیشی کینه توزانه دشمنی می کند. دشمنی رژیم بسبب خواسته های بی حق و عادلانه خلق کردستان مبارز شما در راه خودمختاری کردستان و تامین حقوق ملی آزما هیبت ان نشأت می گیرد.

سال پیش یکی از دشوارترین سالهای مبارزه و مقاومت مسلحانه و عادلانه مردم کردستان علیه رژیم ارتجاعی و ضد مردمی جمهوری اسلامی بود. رژیم خمینی دیویش جنایتکارانه علیه کردستان کسه همچنان اادامه دارد، از سوشل به سیاست ارتجاعی گوج اجباری روستا نشینان تا بمباران و گلوله سبها بران شهرها و روستاها، از کشتن زنان و کودکان بی گناه تا ویران سازی مناطق مسکونی، آتش زدن مزارع روستاها و حتی زدن بمبها چکه پیوشان حاکم برتر گیس سوخته است.

مردم مبارز کردستان!

تشدید سرکوب خشن و جنایتکارانه خلق کرد و نیروهای ملی و مترقی کردستان به هیچ وجه از سرکوب و حشیا نه جنبش اعتراضی و مطالباتی کارگران،

صدام اساسا دلایل نظامی دارد. هدف صدام از این ما نورها تقویت مواضع خود در جنگ است و هیچ ربطی به "احترام و ارزش" که گویا برای خلق ما و جان مردم ما قابل است، ندارد. اما هبها ربا شهید که سران خائن جمهوری اسلامی از سفرت شما از جنایات صدام به سود خود و به سود اادامه جنگ بهره برداری نکنند، این توطئه های بلید رژیم را هر چه قاطع تر با شکست مواجه سازید.

هم میهنان مبارز!

بیا غیزید و ننگد را بیدار کنید. چو حکم جنایتکار جمهوری اسلامی هیچ کس دیگری نه در ایران و نه در عراق خواهان اادامه جنگ نیست، اگر می خواهی جنگ تمام شود، با بیدگویی این جنگ طلبان جنایتکار را به جنگ آوریم. راه پایان دادن به جنگ آن است که همه دست به دست هم بدهیم و علیه این جنگ و علیه رژیم خمینی بیا خیزیم.

با اید از هر فرمتی استفاده کنیم، به خبیا بانها بریزیم و علیه جنگ تظاهرات کنیم. راه پایان دادن به جنگ همان راهی است که زحمتکشان کوی آبا ن انتخاب کردند. با اید از هر فرمتی برای اعتصاب و مقاومت در برابر رژیم استفاده کنیم، اعتصاب و تعطیل کار در کارخانه ها و ادارات و مدارس، رژیم را فلج می کند. هنگام بمباران به بیاری مجروحان و قربانیان آن بنیابیم و مراسم تشییع و تدفین سوگواری عزیزانمان را به محنته اعتراض علیه جنگ رژیم بدل کنیم.

رژیم زبون تر از آن است که در برابر اعتراض یکبارچه و متحدهما تسلیم نشودا رژیم نتواند هیچ کس را به جبهه ها بفرستد، اگر همه به خبیا بانها بریزند، اگر اعتصابات بیشتر شود و کارهای رژیم تعطیل شود، دیگر رژیم نخواهد توانست جنگ را اادامه دهد. از ارتشیان و سپاهیان مخالف جنگ حما یست کنید، به هر شکلی که می توانید کمک کنید که خمینی نتواند به این حملات جنون آمیز و جنایتکارانه خود به خاک عراق اادامه دهد. به نفع صلح و آتش بس هر کجا که هست تبلیغ کنید. تمام مردم دنیا، تمام

مجامع و محافل صلح دوست جهان از برقراری صلح حمایت می کنند. خواست ما بر حق است، در ایمن مبارزه ما حتما پیروزیم.

هم میهنان مبارز!

فداییان خلق ایران، در سراسر کشور علیه رژیم بلید خمینی و برای قطع این جنگ خانمانسوز مبارزه می کنند. فداییان خلق خواهان آشنده که به نیروی اتحاد دهمه نیروهای صلح دوست و آزادخواه ایران سایه شوم جنگ و خمینی از میهن ما کوتاه شود و صلح و آزادی و عدالت و استقلال و سرفرازی در کشور ما برقرار گردد. ما همه سا زمانها، احزاب، شخصیتها و محافل دموکرات، صلح دوست و مترقی ایران را به اتحاد برای سرنگونی رژیم منحوس جمهوری اسلامی و برقراری رژیم دموکراتیک و ملی فرا می خوانیم. از مبارزه فداییان خلق ایران حمایت کنید. رژیم فرزندان فدایی شما را در شکنجه گاهها و زندانها به بندمی کشد، چرا که آنها فریاد می زنند ما صلح می خواهیم، ما آزادی می خواهیم، مرگ بسر ارتجاع، مرگ بر رژیم استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی، زنده باد استقلال، زنده باد آزادی، زنده باد عدالت اجتماعی، زنده باد صلح.

مردم زحمتکش ایران!

به فداییان خلق ایران ببینید تا صلح را به کشور با زگردانیم و دموکراسی و عدالت اجتماعی و استقلال ملی واقعی را در میهنان برقرار سازیم. به ما ببینید تا با سرنگونی رژیم جنایتکار ارتجاعی و جنگ طلب جمهوری اسلامی، جمهوری دموکراتیک و ملی ایران را در میهن خویش مستقر کنیم.

زنده باد صلح

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ۲۵ خرداد ۱۳۶۴

پایفته ما در زیر موردا کید قرا گرفته است: ۱- شناسایی حق کامل خلقهای ایران در تعیین سرنوشت خویش ۲- شناسایی حق خودمختاری خلقهای ساکن ایران، بر خوردا (آنها) از کلبه حقوق ملی و اجتماعی و فرهنگی خود ۳- پایان دادن قوری به جنگ برادر کشی در کردستان و جبران خسارات وارده به خلق ستمدیده کرد. در عین حال سازمان از مبارزه حزب دموکرات کردستان ایران در راه سرنگونی رژیم خمینی و در راه تامین خودمختاری کردستان حمایت می نماید.

سازمان ما نسبت به تلاشها و توطئه های تفرقه افکنانه در صفوف نیروهای ملی و دموکراتیک در کل کشور و در کردستان هشدار می دهد و همه نیروهای ملی و مترقی خلق کردستان را به اتحاد درزمجوبانه فرا می خواند و این تاکید حزب دموکرات کردستان ایران را در همین راستا می یاند، که " ضروریست که اختلافات درجه ها و کتا رگذاشته شوند سعی بعمل آید که برسریک برنامه مشترک به منظور سرنگونی رژیم خمینی و برسریک آمدن یک رژیم دموکراتیک توافق شود.

رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق برای تقویت مواضشان در جنگ، به ما نورها و تکتیک های بیسی چه در رابطه با نیروهای خلق کرد در کشور خود چه در دیگر، دست زده و می زنند. هدف هر یک از این تلاشها، بهره گیری از جنبش خلق کرد علیه طرف متخاصم، همچنین تفرقه افکنی در صفوف مبارزین کرد و منحرف ساختن سمت اصلی مبارزه آنهاست. ضروریست نیروهای ترقیخواه خلق کرد نسبت به این سیاستها هشیار باشند و رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق را در بهره برداری از این گونه تاکتیکها ناکام سازند.

خلق قهرمان کرد!

جمهوری اسلامی با یورشهای برسرمنا نه خود قادر نیست جنبش خلق طلبانه مردم میهن ما را در هم شکند. نه شاه و نه خمینی و نه هیچ مترج دیگری نتوانست و نمی توانند بر ااده بولادین شما، در مبارزه برای تامین خودمختاری کردستان و آزادی ایران غلبه کند. کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، با ردیگر حمایت قاطع خود را از خواست شما مبارزه عادلانه خلق کرد اعلام می کند و بر سر شما مردم دلیر کردستان پیروزی و موفقیت روزافزون آرزوی کند.

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) تیرماه ۱۳۶۴

دهقانان و همه زحمتکشان و نیروهای ملی و دموکراتیک کشور جدا نیست. رژیم استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی نه تنها دشمن شما مردم زحمتکش و رنج دیده کردهما احزاب و سازمانهای ترقیخواه و دموکراتیک کردستان است، بلکه دشمن خلقهای سراسر کشور، دشمن کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان ایران و کلیه نیروهای ملی و دموکراتیک است. میهن بلا کشیده ما ست. به این دلیل برای تحقق خودمختاری کردستان و برای تحقق همه آرزوهای شما و دیکر خلقهای ایران بیونده هیچ بیشتر جنبش ملی خلق کرد. با جنبش انقلابی سراسری ضرورت بنیادی دارد.

خلق قهرمان کرد!

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، زرمده راستین راه رها بی و ملی و اجتماعی خلقهای سراسر کشور است و به همین پایه در راه ملی خلق کرد رژیم ملی و تحقق خودمختاری کردستان در چارچوب ایران ملی و آزادی دموکراتیک مبارزه می کند. برابری حقوق ملی خلقهای ساکن کشور، حق همه آنهاست. مساه اعتقاد واضح داریم که نمی توان مدافع رزمنده حقوق کارگران و زحمتکشان ایران بود، از برای تامین حق خلقها در تعیین سرنوشتشان مبارزه نکرد.

با وجود رژیم منفور خمینی، تحت هیچ شرایطی خلق کرد و دیگر خلقهای ایران به خواسته های ملی و دموکراتیک خود نخواهند رسید. راه دستیابی به مردم کردستان به حقوق ملی خویش نیز در گرو سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری ملی-دموکراتیک در ایران است. اتحاد دیکر کشورها و نیروهای ملی و مترقی خلق کرد و بیونده هر چه نزدیک تر آنان با نیروهای انقلابی کشور، برای تحقق اهداف فوق که آنها می مشترک همه ما ست، ضروریست حتی دارو از اهمیت جدی و عملی برخوردار است.

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در دیرلنوم مهرماه ۱۳۶۳ اعلام نمود: ... سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) لشکرکشی به کردستان و سرکوب و حشیا نه مردم، قتل عام زنان و کودکان کرد را محکوم می کند و مردم سراسر ایران را به مبارزه علیه جنایات تهاجمه جمهوری اسلامی در کردستان و دفاع از خواسته های برحق خلق کرد فرا می خواند. سازمان ما پیگیرانه از مبارزه عادلانه مردم کردستان در راه کسب خودمختاری پشتیبانی می کند.

همچنین در برنام پیششدهای برای جبهه نیروهای ملی و دموکراتیک که در بینا نیه مشترک اردیبهشت ماه کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و کمیته مرکزی حزب شده ایران انشتار

### مبارزه علیه تحمیل قانون کار ارتجاعی را سازمان دهیم

برای کارگران.  
دراین لایحه نمونه های دیگری از نقض حقوق صنفی کارگران می توان برشمرد، نظیر: مشروط کردن اجرای قرارداد های دسته جمعی تا به تصویب وزارت کار، مسکوت گذاشتن سقف سنی بازنشستگی و نظایر آن. اما مهم ترین محور مبارزه کارگران علیه لایحه جدید قانون کار با بد افشای بی امان ماده ۱۵۰ (قانون شورا های اسلامی کار) بطور مشخص و لاف و فحش علیه فصل ششم، بویژه حمله به ماده ۱۵۰ حمله به قلب لایحه جدید قانون کار است. مبارزه برای افشاء و لغو فصل ششم و به گریش نشان دادن در شکل صنفی مستقل کارگران، یعنی حق کارگران در ایجاد و انحلال شکل های صنفی بدون مداخله دولت و کارفرمایان و مدیران، و تاکید بر حق کارگران در تدوین، تصویب و اجرای اساسنامه شکل صنفی، موثرترین تعیین کننده ترین محور مبارزات صنفی - سیاسی کارگران در چارچوب جنبش قانون کار است. کارگران پیشرو باید ترا حلقه مرکزی در افشای کلیت لایحه جدید قانون کار بدانند. سازماندهی هسته های صنفی کارگری و سوق دادن آن در راستای جهت گیری صنفی در انجام این وظیفه اساسی است. در افشای لایحه جدید قانون کار، علاوه بر فصل ششم، دو ریه مهم دیگر نیز باید در کنار آن، به مثابه سنگرهای مقدم مبارزات افشاگرانه کارگران آگاه و پیشرو قرار گیرند؛ یکی، مبارزه بیگانه علیه بقایای ماده ۳۳ قانون کار گذشته در لایحه جدید، یعنی مبارزه برای جلوگیری از اخراج و تا مین حق امنیت شغلی و سازماندهی و تقویت صندوق بیکاری و حمایت از کارگران اخراجی و تاکید بر اینست که مدیریت و بازرگان دادگاه صالحه، نمی تواند نسبت به نیا بدیدون تا بیدتشکل کارگری حق اخراج کارگران را داشته باشد. محور مهم دیگر اینکه، حق اعتصاب باید در قانون کار تصریح شود هرگز نه مداخله از جانب ارگانهای سرکوبگر حاکم در امور سندیکا بی شواهی ممنوع گردد. مبارزه عملی و مشخص برای سازماندهی صندوقها و کمیته های صنفی اعتبار بیشتری - محمل برای تا مین و تثبیت این حق است. خلاصه کنیم: ما لایحه جدید قانون کار را علیه تمام زتساب برخی از بدیهی ترین حقوق صنفی - رفاهی کارگران در این زمینه، بدلیل نقض اساسی ترین حقوق صنفی - سیاسی کارگران، قانونی ارتجاعی و ضد کارگری دانستیم و مبارزه برای افشاء و جلوگیری از تصویب آنرا وظیفه همه نیروهای انقلابی، بویژه طبقه کارگری دانستیم. وظیفه کارگران پیشرو مبارزات است که برای پیشبرد این مبارزه، اعتدالی شیخ از پیش جنبش قانون کار، موثرتر کردن هر چه بیشتر مشا رکت کارگران در تدوین یک قانون کار مترقی و افشای تمام عبارات و مفاهیم ضد کارگری و ارتجاعی رژیم، مبارزات جاری توده کارگران را علیه این لایحه ارتجاعی، حول سه آماج مشخص زیر سازمان دهند:

۱- افشای لایحه جدید قانون کار و تا مین حق شکل صنفی مستقل کارگری در گروهی افشای فصل ششم این لایحه و مبارزه برای لغو آن است.  
۲- مدیریت و هیج مقام دیگری حق اخراج کارگران را بدون تایید تشکل صنفی کارگران ندارند.  
۳- حق اعتصاب کارگران، عدم مداخله ارگانهای سرکوبگری و پلیسی در امور سندیکا سیاسی و شورایی و ممنوعیت انتقامجویی دولت از کارگران اعتصابی، حق مسلم و خواست عمومی کارگران است. اینهاست حلقه های مشخص مبارزه افشاگرانه کارگران و سپه ما علیه لایحه جدید قانون کار. هرگونه تاکید بر افشاء و جلوگیری از تصویب این لایحه، بدون سازماندهی مشخص مبارزات جاری کارگران حول تاکتیک های فوق، مبارزه ای کلی و مجرد خواهد بود.

کاران صنفی را (حالا هر نامی که می خواهد داشته باشد، سندیکا، شورا، اتحادیه و...) اساسا سه مویبه مجمع عمومی این صنف می کشند و امروزه بین نامه های وزارت کار. لذا افشاء و لغو ماده ۱۵۱ باید شد همچنان در دستور مبارزه کارگران باشد.  
و اما ماده ۱۵۰، ارتجاعی ترین و ضد کارگری ترین بخش این لایحه است. این ماده، به دلیل اهمیت و براهین، بعنوان ماده واحد در همه ماده ۶۳ تحت عنوان "قانون شورا های اسلامی کار" به تصویب مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان ارتجاع نیز رسید. ماده ۱۵۰ در لایحه جدید قانون کار، به سه مراتب شوم تر و منحوس تر از ماده ۳۳ قانون کار، زمان شاه است. ماده ۳۳ تنها به اخراج و سلب امنیت شغلی کارگران خلاصه می شد، اما ماده ۱۵۰، قلب قانون کار، یعنی شکل کارگری را نشانده گرفته و می خواهد آنرا به ارکانی بی خاست و بسوگ بدل کند. ما در شماره ۱۵ نشریه کار، به دنباله تصویب و انتشار این قانون ارتجاعی و ضد کارگری، مفاد آنرا مشروحا مورد نقد و افشاء قرار دادیم و تاکید کردیم که حتی اگر همه فصول دیگر قانون کار را از اینده نیز مرقرون به خواستهای کارگران باشد، تنها همین قانون کذایی شوراها، برای ارتجاعی دانستن کلیت آن قانون کافیست.

البته در لایحه جدید قانون کار، برخی از بدیهی ترین حقوق صنفی و رفاهی کارگران که در چند ساله اخیر بارها و بارها مورد مطالبه جدی کارگران و موضوع مبارزات آنان بوده، نیز به زتاب یافته است. کسه مهمترین آنها عبارتند از:  
تلقیح و یکی کردن قانون کار و رشتا ورزی با قانون کار، تعیین ۱۵ سال بعنوان حد اقل سن کار، تعطیلی رسمی روز اول ماه مه، تعیین ۳ ماه مرخصی (بجای ۷۰ روز) بعنوان مرخصی دوران بارداری و زایمان، تعیین ۳۰ روز مرخصی سالیانه برای کارگران معدن و مشاغل سخت.  
عقب نشینی رژیم خمینی از پیش نویس قسرون وسطایی شوکلی تا لایحه جدید و پذیرش برخی از بدیهی ترین حقوق صنفی - رفاهی کارگران نظیر: شونه های فوق، تنها و تنها محصول مبارزات پیگیرانه طبقه کارگراست.

و اما علاوه بر ماده ۱۵۰، همچنانکه گفتیم، ما در مهم دیگر از نقض جدی حقوق صنفی - سیاسی کارگران نیز در این لایحه مشهود است، که مقررات مربوط به اخراج و همچنین مسکوت گذاشتن حق اعتصاب کارگران، از آن جمله اند.  
سرحدی زاده، مهم ترین تفاوت لایحه اش را با پیش نویس های قبلی، منجمد قانون کار در زمان شاه، در مقررات اخراج می دانده. در این لایحه صدور رأی اخراج که در پیش نویس های قبلی به در ملاطبت مدیریت می بود، به "بده" یا "دگاه لاه" است. البته دادگاهی که نمایندگان کارگران، نقشی در صدور احکام آن ندارند. تفاوت لایحه سرحدی زاده با قانون کار گذشته در مورد اخراج تنها در این است که ماده ۳۳ تعدیل شده است اما آنچه خواست کارگران بوده و هست لغو ماده ۳۳ و تا مین امنیت شغلی بوده است. تعدیل آن، شعار کارگران و مشخصا این بوده و هست که مدیریت و بازرگان دیگر، نتوانند در صورت تایید تشکل کارگری مجازند کارگری را اخراج کنند. در لایحه سرحدی زاده، کوچکترین اشاره ای به نقض شکل کارگری در دفاع از حقوق کارگران و جلوگیری از اخراج نشده است. همچنین در این لایحه سخنی از حق اعتصاب، در میان نیست. حق اعتصاب، منع مداخله ارگانهای سرکوبگر و پلیس در امور سندیکا بی و ممنوعیت انتقامجویی دولت از کارگران اعتصابی، حق مشروع و مسلم کارگران است. مسکوت گذاشتن این حق، نیز علت روشن است. رژیم جمهوری اسلامی، حتی از کلمه اعتصاب هم هراس دارد چه رسد به پذیرش حق آن

لایحه جدید قانون کار سرحدی زاده، پس از آرایه به کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس، انتشار یافت. پس از تکلیف خفت با رئیس نویس شوکلی، رژیم جمهوری اسلامی با تشکیل یک کمیسیون ۸ نفره از وزیران، اقدام به "حک و اصلاح" آن نمود و نتیجه پیش نویس شد که سرحدی زاده در او اواخر سال ۶۲ تنظیم کرد. اما این پیش نویس ارتجاعی نیز در اثر مقاومت کارگران ارشد، بولی رژیم پس از "حک و اصلاح" مجددان، در اردیبهشت ۶۴، لایحه حاضر را تنظیم کرد و به مجلس ارائه داد.  
لایحه "جدید" قانون کار رژیم بطور کلی از دو لحاظ قابل بررسی است: نخست از نظر مدت تدوین و آرایه اش، دوم از نظر مضمون و محتوا. پیش از این - همچنانکه در مقالات گذشته متذکر شدیم، حکام مرتجع و کارگرسنیز جمهوری اسلامی، با در نظر گرفتن اهمیت محوری شکل های کارگری در قانون کار روبا توجه به تجربه شکست های بی درپی شان در تحمیل یک قانون کار ارتجاعی، این بار، قبل از آنکه سبکبار لایحه جدید قانون کار خود را آرایه دهند، گام به گام پیش رفتند و نخست قانون شوراها را بنحوی توطئه گرانه و بی سروصدا به تصویب رساندند و سپس اقدام به آرایه کل لایحه قانون کار کردند.

۲- لایحه "جدید" از نظر محتوای کلی، همان پیش نویس بهمن ماه ۶۲ سرحدی زاده است، با مختصر تفاوتی از نظر برخی حقوق صنفی رفاهی کارگران. این لایحه از نظر مضمون کلی، سه حق اساسی از حقوق صنفی کارگران را نقض کرده است: بهمین دلیل، این لایحه در کلیت خود، ارتجاعی و ضد کارگراست.  
مهمترین خاص و سیاه ترین نقطه آن، نقض حق تشکل کارگران است (فصل ششم در مجموع و ماده ۱۵۰ بطور مشخص). فصل ششم، شامل ۳ ماده است: ۱۴۹ (درباره انجمن های اسلامی)، ۱۵۰ (درباره شورا های کارگری)، ۱۵۱ (در مورد انجمن های صنفی). طرح ماده ۱۴۹ در قانون کار، اساسا موضوعیت ندارد چون انجمن های اسلامی، شکل صنفی نیستند بلکه ارگانهای حزبی اند. در قانون کار هیچ کوشی سابقه ندارد، ارگانهای حزبی (ایدئولوژیست - سیاسی) یک قشر یا طبقه خاص را بعنوان تشکل صنفی نشود و ای و یا به مثابه جزیی از حقوق کار، بکنجا نشد. هدف حکام جمهوری اسلامی، از کنجا شدن این ماده، جزیی جز مشروعیت بخشیدن به این ارگانهای جاسوسی و تفرقه افکنی در میان کارگران نیست.

ماده ۱۵۱ نیز که ظاهرا به اصل ۲۶ قانون اساسی استناد کرده است "برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی کارگران و صاحب کاران تشکیل انجمن های صنفی را مطرح نموده و تاکید کرده است که وزارت کار، در مورد چگونگی تشکیل این انجمن ها و تعیین حدود وظایف و اختیارات و نحوه عملکرد آنها، قانون تدوین خواهد کرد. این ماده، تجلی بارزیت از فرقه های سالوسانسه رژیم برای با یمال کردن حق تشکل صنفی کارگران. تدوین کنندگان توطئه گروریا کار لایحه جدید، از یک طرف با تصویب قانون شورا های اسلامی کار (موضوع ماده ۱۵۰) و تقویت نقش انجمن های صنفی (آنهم به صورتی که ملا متلک شده) به شورا های اسلامی کار، عملا علت وجودی انجمن صنفی را منتفی کرده اند و ظرف دیگر برای تظا هر به پایبندی به قانون اساسی رژیم، نامی هم از ماده ۲۶ و انجمن صنفی برده اند تا عریضه خالی نباشد، حتی اگر ماده ۱۵۱ را جدی هم بگیریم، با نقض فرضی که در این ماده شده است، اساسا قابل چشم پوشی نیست. زیرا انجمن های صنفی موضوع اصل ۲۶، نیازی به تدوین قانون از جانب وزارت کار و دولت ندارند. ضوابط

### جمهوری اسلامی،

در کنار آمریکا، علیه افغانستان  
به میزانی که انقلاب افغانستان قوامی یا بدو دولت انقلابی آن حقانیت انقلاب را به توده ها نشان می دهد، حمایت توده های زحمتکش افغانی از انقلاب و حکومت مردمی افغانستان، بیش از پیش گسترش می یابد. به همین دلیل امروز تا حد نیمی که توطئه های امپریالیسم جهانی به سرگردگی صبریا لیسیم آمریکا و حکومت های ارتجاعی منطقه بر علیه افغانستان انقلابی شدت هر چه بیشتر می یابد.  
سران جمهوری اسلامی نیز که از همان آغاز هماهنگ با امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه دشمنی آشکار خود را با انقلاب افغانستان اعلام داشته اند، اکنون نیز از قله عقب نما نده و به حمایت های همه جا به خود از ضد انقلابیون افغانی، به اعزام خرابکار به داخل افغانستان و دخالت آشکار در امور داخلی آن کشور بدهتای زده داده اند.

۱- افشای لایحه جدید قانون کار و تا مین حق شکل صنفی مستقل کارگری در گروهی افشای فصل ششم این لایحه و مبارزه برای لغو آن است.  
۲- مدیریت و هیج مقام دیگری حق اخراج کارگران را بدون تایید تشکل صنفی کارگران ندارند.  
۳- حق اعتصاب کارگران، عدم مداخله ارگانهای سرکوبگری و پلیسی در امور سندیکا سیاسی و شورایی و ممنوعیت انتقامجویی دولت از کارگران اعتصابی، حق مسلم و خواست عمومی کارگران است. اینهاست حلقه های مشخص مبارزه افشاگرانه کارگران و سپه ما علیه لایحه جدید قانون کار. هرگونه تاکید بر افشاء و جلوگیری از تصویب این لایحه، بدون سازماندهی مشخص مبارزات جاری کارگران حول تاکتیک های فوق، مبارزه ای کلی و مجرد خواهد بود.

باجا دیگر ایها و متعدد نظامی و دهر ره های مرزی جهت آموزش و تسلیح فدائیان افغانی، دادن کمکهای مالی فراوان و مکانات وسیع تبلیغاتی از جمله ایستگاه رادیویی به آنها، از جمله این اقدامات ما جرا جویا نه است.  
در پی این سیاست منتظری در دیدار با عده ای از روحانیون فدا انقلابی و سران اندکهای تشکست خورده افغانی که جهت دریافت کمکهای بیشتر از حکام خائن جمهوری اسلامی به پدیدار شدن رفتند، بودند، ضمن تاکید مجدد بر حمایت های جمهوری اسلامی از فدائیان افغانی، آنان را به اتحاد عمل در برابر حکومت افغانستان دعوت کرد. وی خطاب به آنان گفت "گروه های مختلف و پراکنده که اکنون وجود دارند، باید متحد شوند" جوهر اساسی رهنمود منتظری برینتر از یک چیز است، همان رهنمودی است که ریگان بارها تکرار کرده و سیا و ارتجاع منطقه و ضد انقلابیون افغانی آن را تکرار کرده اند. همین بندی پیش بود که "ظا هر شاه" نیز با اسرا خوشحالی از گرد هم آمدن احتمالی عده ای از گروه های

فدائیان افغانی را بر این اساس خواستار شدند.



# ایران، میدان رزم خلق علیه جنگ، برای صلح

"کارگران علیه جنگ"

کارگران که از آسیای استهای جنگ طلبانه رژیم حاکم به تنگ آمده اند، بعنوان اعتراض از هژمون کمک به جبهه ها امتناع می کنند. اخیرا کارگران کارخانه های تراکتوری و ماشین سازی تبریز مخالفت خود را با کمیک روز حقوقان برای کمیک به جبهه ها اعلام داشتند. کارگران موفق شدند حقوق کرده را از پس گرفته و از وزیران به حساب جبهه ها جلوگیری کنند.

در کارخانه موتوژن تبریز نیز کارگران جمع آوری اجباری کمک برای جبهه ها اعتراض نمودند.

اعتراض زنان تبریز به جنگ

تبریز - پس از بمباران وحشیانه محله تکلیفی تبریز زنان محله با تجمع در محل بمباران شروع به دادن فحش و ناسزا به مسببین جنگ و خمینی کردند. آنان شاعری دادند: "نه گریلا بستیروخ - نه بیله بلا بستیروخ" (نه گریلا می خواهم - نه ایمن بلای خواهم). ما مورین سرکوبگر رژیم با وجود کنترل محل بمباران نتوانستند مانع اعتراض زنان شوند. زنان مبارز می گفتند: "لاکه مردان و جوانان معترض را دستگیر و زندانی می کنند ما وظیفه داریم نظا هرات و اعتراض بکنیم، تا بلکه به این جنگ خانمانسوز پایان داده شود."

وحشت رژیم از اعتراض مردم به جنگ

نظا هرات و اعتراضات شدید مردم و خانسوادها شهدای بمبارانهای اخیر بر علیه آدامه جنگ و بمبارانهای مسئولین حکومتی را مجبور به عقب نشینی نمود. بدین مناسبت اخیرا زوی ارگانهای سرکوبگر رژیم بخشناهای صادر شده و در آن به مقامات و مسئولین انتظامی تاکید گردیده که مدت روز بعد از بمباران نباید خانواده شهدای بمبارانها را با خراطا اعتراض و مخالفت و فحاشی به مسئولان دستگیر نمایند!

مردم همدان و سنجع علیه جنگ

بمبارانهای اخیر باعث تشدید اعتراضات مردم همدان گردید. مردم محلات گوناگون این شهر گروه گروه جمع شده شاعری دادند: "ای صدام دیوانه - جماران در شیرانه" در سنجع نیز مردم معترض به جنگ در گروه های علیه جنگ و رژیم شعسار می دادند. مسئولین خائن جمهوری اسلامی نیز بعنوان تلافی آب آتش میدنی مناطقی از شهر را قطع نمودند.

اعتراض جوانان جوادیه به جنگ

پس از بمبارانهای اخیر نقاط مختلف شهر تهران عده ای از جوانان و مردم محله جوادیه در جنوب شهر تهران از محلات راه افتاده و علیه رژیم و جنگ شعار می دادند. آنها می گفتند: "ای صدام دیوانه - جماران توی شیرانه". این شعار طرز آلوده آنها را استقبال مردم مواجه گردید.

اعتراض مردم تبریز علیه جنگ

پس از بمبارانهای وحشیانه رژیم صدام، مردم مبارز محلات گوناگون شهر تبریز دست به نظا هرات موضی زده و علیه جنگ و رژیم اعتراض نمودند. مردم خشمگین با دادن شعارهایی، جنگ طلبی سران خائن جمهوری اسلامی و جنایات رژیم صدام را محکوم کردند. سپاه و کمیته تبریز در چندین نقطه با مردم درگیر شدند و تعدادی را مجبور کردند.

تسلیمات رژیم دروغ و ونیرنگ

رژیم جنگ طلب و ضد مردمی حاکم جهت تبلیغ آدامه جنگ و پیشبرد سیاستهای خاخانه خود به حمله ها و ونیرنگ های گوناگونی متوسل می شود. از جمله پس از بمباران خیابان ظفر در تهران ما موران رژیم با چندا تویوس برآزاد فرادسا زمان یافته از قبل، به آنجا آمده و شروع به دادن شعارهایی به نفع آدامه جنگ کردند و در این

هنگام گروه دیگری از صحنه های ساختگی فیلم برداری کرده تا آنها را با آب و تاب در تلویزیون نمایش دهند. رژیم این سیاستها را در ادراغ بل وارد بکار برده است. نمونهای دیگر از این تبلیغات دروغ و عوام فریبانه در محله دولت آباد درخ داد. ما موران حکومتی تعدادی از اهالی محل بمباران شده را جهت مباحثه با تلویزیونی آماده نموده و آنان را مجبور کردند جملات دلخواه رژیم را حفظ کنند. وبهمسان صورت نقل نمایند. این شگرد عوام فریبانه رژیم با افشگری یکی از اهالی محل نقش بر آب شد.

آدامه جنگ و شیوع بیماریهای خطرناک

با زگشت سربازان و وپاسداران از جبهه ها بسدون گذراندن دوره قرنطینه باعث شیوع بیماری سل در بین کودکان گردیده است. بهنچین خاطر از طرف وزارت بهداشت توصیه شده است که کلیه کودکان زیر ۶ سال واکسینه شوند. اما واکسن نایاب و کم پیدا است. در جلوبیمارستانها صف های طویل جهت تزریق واکسن بوجود آمده و نزدیکترین زمان ونوبت برای تزریق واکسن یک ماه می باشد.

\*\*\*

فدائیان خلق ایثارگران کم و کیف فجایع جنگ و نبرد مردم علیه جنگ و رژیم را به اطلاع مردم می رسانند و دعوت سازمان خود را برای بسیج همگانی و توده ای علیه جنگ و رژیم اعلام می دارند. در زیر نمونهای از میان گزارشهای فعالین سازمان در باره فاجع بمبارانهای جدید و افشگری و اعتراض مردم علیه جنگ و رژیم درج می گردد.

آتشبار زهم صدای لرزش شدیدی تهران را تکان داد. همه فهمیدند که با زمخلی ویران شده است. با زده ای از هموطنان از زیر پر و جان و کودک خردسال قربانی جنگ طلبی حاکم جمهوری اسلامی گشته اند. از صدای انفجار چنین بنظرمی رسید که چهار بمب بمسور مردم بی دفاع تهران ریخته اند. تصمیم گرفته هر طور که شده خود را به محل حادثه برسانیم. شب نگاه کردم، تاریک و ظلمانی مثل قلب جنگ طلبان. با مشکلات زیاد سوار یک ماشین عبوری شدم و به طرف جنوب شهر رفتم. راننده که کارمند هلال اخبر بود گفت: به وسیله ای سیم اطلاع داده اند که دولت آباد یک محله دیگر از زده اند. پس از مدتی سکوت به محل حادثه نزدیک شدیم. در مدخل شهر که دولت آباد مردم جمع شده بودند و ماشینهای زیادی ایستاده بود. مردم منطقه گروه گروه به طرف محل حادثه روان بودند. همه عصبانی و ناراحت بنظرمی رسیدند. ما موران رژیم در نزدیکی محل حادثه از ترس حرکات اعتراضی مردم خشمگین، تمام راههای ورودی به شهر را بسته بودند. جمعیت کم زیادی شهدای آزیبی سر آمبولانسها یک لحظه قطع نمی شد. پیاده خودم را به محل حادثه رساندم. تلی آژان و آجر و سیمان و لوازم خانه به چشم می خورد. بعد از آنکه زمانی متوجه شدم که نیمی از یک ساختمان طبقه جمعا ۲۰ واحد بار رتمان داشت بکلی ویران شده است.

خشم و تاسوس را سر وجود هر بیننده ای را فراموش می گرفت. تعدادی از هموطنان بی گناه ما، زنان، کودکان، سالخوردهگان و جوانان، که شب خستنا و تلاش و کار روزانه به خانه پناه برده بودند، تا لحظاتی دور از دغدغه هزاران مشکل آرام گیرند، یک باره و در یک لحظه نابود شدند و از آنها هیچ اثر و خبری برجای نماند. مردمی که به محل آمده اند ساکت و آرام با چشمانی اشک آلوده و بیخ در گلوبهم می نگرند.

آن طرف تر قسمتهایی از ساختمان آبارتیمان مجاور فروریخته است. قدری دورتر ماشینهایی که به آهن پاره مبدل شده اند، دیده می شوند. ابراز تنفر همه حاضرین از جنگ و آدامه دهندگان جنگ علنی می شود. عده ای مات و مبهوت بخسود می بیچند. جوانی با شوخی لختی می گوید: "گولسه" یا دفترچه بسیج، بمب و راکت یا قرعه کشی، بیستایی که از دستستان نرود" پیرمردی که با عصبانیت روی زمین تف می انداخت، گفت: "خمینی می خواهد همه را به کشتن بدهد".

راهسا ختمان ویران شدم، همه چیز بوی مری

می دهد. مرگ کودکان، دختران، پسران، زنان و مردان، ناگهان متوجه مردی شدم که بتازگی از سرکار برگشته و با گریه می گوید: "وای خدای من خانه ام در طبقه چهارم بود، زخم کجاست؟ بچه ام کجاست؟" با دیده چهره خستودرمانده او گریه های جگرسوزش جمعیت به لوله می افتد. اعتراض به جنگ گسترش می یابد. در همین موقع کمیته های که تقریبا دوروبر جمعیت را محاصره کرده اند، از ترس حرکت و اعتراض مردم و قیاحانه از آنها می خواهند که شعار جنگ، تا بیروزی "راسر دهند. همه با خشم و نفرت و تمسخر به آنها نگاه می کنند. کمیته ای ها که هوا را پس می بینند، سعی می کنند جمعیت را که حال دیگر جدوجنده را ترغیب می کنند، برانگیزند. زیرا از شعله و روشن ختم آنها هراسان شده اند. یک تقریبا صدای بلند می گوید: "خودشان در خانه های امن نشسته اند و دستور جنگ تا دفع فتنه از عالم را می دهند. ای بابا اینها که از در مردم خیردار نیستند" جوانی که خانه اش ویران شده بود، ژوب جمعیت کرده و با خشم گفت: "چرا سران حکومت که عامل این خانه خرابیها هستند، جنگ را تمام نمی کنند؟" بقال محله کنه قبلا از طرفداران پروپا قرص رژیم و همجنسین جنگ بود، و برادرش نیز در جبهه کشته شده است. می گفت: "مردم می بایست از روز اول بر علیه جنگ اقدام می کردند، تا امثال برادر من قربانی این فاجعه نشوند. من خودم اگر از اول می دانستم جنگ اینقدر کشیف است، هرگز به برادرم اجسازه نمی دادم. به سیخ برده و خودش را قربانی هیچ بیوج کند. جمعیت که یکبار ره خشم و اعتراض بسود توسط پاسداران متفرق شد، مردم همگی جنگ و رژیم را محکوم می کردند و بطور علنی لب به اعتراض می گشودند.

روز بعد از بمباران خزان به آنجا رفتم. این روز صاف بودی روز ۱۲ فروردین: جمعیت حاضر در محل بمباران شده در خزانه خیلی بیشتر از جمعیت حاضر در دانشگاه تهران جهت برگزاری مراسم روز جمهوری اسلامی بود. انبوه جمعیت از نقیسات مختلف شهر آمده بودند تا ضمن همدردی با بازماندگان هموطنان بمباران شده، از نزدیک با صحنه های ویران شده و آثار مخرب جنگ آشنا شوند. هیچکس را ندیدم که سیاست جنایتکارانه رژیم را تائید کند. همه خواهان پایان یافتن فوری جنگ بودند و با خشم و نفرت از بدبختیها و مصائبی که جنگ برایشان فراهم کرده بود، صحبت می کردند. هر کس به فراخ روحی از جدوجیزی می گفت و اعتراض می کرد، پیرو صردی دست فرزند خردسالش را گرفت و با طنز گفت: "بیایا با جان بریم، امشب شام بمسب داریم".

ما موران رژیم در این گوشه و آن گوشه مذبحخانه تلاش می نمودند معترضین را شناسایی و دستگیر کنند. آنها از وحشت اعتراض مردم علیه جنگ و رژیم معمولات متاثر از مادران، کودکان، خود را به محل بمباران شده می رسانند. مصاحبه گرواردی سو و تلویزیون خودش را به زنی که فرزندش در اثر بمباران کشته شده بود رساند. تا با وی مصاحبه کند و از او تائیدی بر سیاستهای جنگ طلبانه رژیم بگیرد و بعد آب و تاب نمایش دهد، زن داغدار از شدت خشم ضبط صوت مصاحبه گرواردی و بر زمین کوبید و با حالت گریان شروع به شعار دادن علیه رژیم کرد. یک معلم با عصبانیت می گوید: "جنگ با بدنام شود قبل از آنکه مردم تمام شوند" یک کارگر خیاط اضافه می کند: "کی این جنگ لعنتی تمام می شود، کاش حداقل بچه هایمان در این وضع مثل ما زندگی نکنند". راننده اداره آب و برق که از تماشا شای ویرانهای خزان به خشم آمده، می گوید: همه اش تقصیر این آخوندهای... است که نمی خواهند حرفی غیر حرفهای خودشان بشنوند". کارگری اضافه می کند: رژیم جنگ را دوست دارد و نمی گذارد تمام شود، چون اگر تمام شود، خودشان هم رفتنی هستند. یک کارگر شرکت واحد در حالی که از دیدن فجاجع جنگ خیلی متاثر شده بود، با چشمانی اشک آلود می گوید: جنگ با بدفورا تمام شود، مردم دارند بیخودی کشته می شوند که چه که عده ای بتوانند هنوز مردم سوا شوند". اظهار رنارفا بشی و بحث و صحبت، گاه شعار و اعتراض جمعی آدامه دارد.

بمبارانهای وحشیانه اکثر شهرهای ایران و کشتار مردم، بی گناه توسط بمبها و موشکهای صدام

از سربازان فراری و از ارتشیان و سپاهیان مخالف جنگ حمایت کنید  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبر)

هم میهنان!  
راه پایان دادن به جنگ گسترش اعتصابات و نظا هرات شماست  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبر)

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران!

جنایتکار رومجی از نگرانی و خشم در میان هم میهنان ما بوجود آورده است مردم می گویند: امکا نشانت محدود دفاع هوایی برای حفظ جان سنان خا شن جمهوری اسلامی بکار گرفته شده است و ما بدون پنا هگا و بدون دفاع رادار تیرس راکتها و بمبهای هوا بیما های عراقی رها شده ایم. مردم معتقدند در بسیاری از محلات تهران از جمله در میدان آزادی سی متر می، تارک ما فسرپه، خاک سفید، دولت آباد، می زاده حسن، خزانه و... به خیا پنا هگا و کوچها پنا هگا برده اند، آنها می گویند "می می گویند جنگ، جنگ تا پیروزی". خودشان دهها پنا هگا هدا رند هیچ به فکر مردم نیستند، آخرزن و بیجه مردم چه گنا می کرده اند؟

همیشه بعد از زمین لرزه و یا همزمان با پیدا شدن هوا بیما های عراقی در آسمان شهرها رادار و آژیر می کشد اعلام خطر می کند و از مردم می خواهد تا بی پنا هگا هها بروند، مردم نیز با مسخره می گویند: "به ما می گویند پنا هگا هها برویم، ما کجا پنا هگا ه داریم، مدها ایم بزوری پشت ما، تا همه ببینند که ما پنا هگا هی در این مملکت نداریم". هنگام بمباران هوا بیی تهران در یکی از کوچه های نارنگ، زمینها صدای بلند فریاد می زند: "سرک بر خمینی"، "ما مل می خوام"، در محله خاک سفید زنی با صدای بلند که حاکی از خشم و کینه او به جنگ افروزان بود، فریاد می زد: "ای قاتل قاتل از جان ما چه می خواهی در زین شهر قتی بر قها ما خوش شد، دسته های ای از مردم به کوچها ریخته و علیه نیروهای شما ردا دند، در دولت آباد قتی شخصی شعار داد: "موشک، جواب موشک"، مردم به او حمله کردند و او را مغرور ساختند. مردم می دفاع شهرهای بمباران شده از ترس جان شان مجبور شده اند، در کوچها و پنا هگا ها و باغات اطراف شب زنده داری کنند هر کس وسیله ای دارا ز شهر خارج شده و به بیابانهای اطراف شهر پنا ه می برد.

در با ختران نمی از مردم شهر را تخلیه کرده اند طاق بستان که در نزدیکی با ختران قرار دارد همی هزار نفر را خود جای داده است. مردم به هر طریق خود را به دها اطراف می رسانند و به آنجا پنا هگا می برند، بسیاری از خانواده ها فقط با چند پتو در اطراف شهر کزیده اند و نامانگا رده اند. مردم درمانده و خسته از جنگ تهران شها به کرج و اوما و یا روستاها و مناطق اطراف شهر پنا هگا می برند. رژیم جنایتکار صدام نیز اخیرا این

مناطق را هم بی نصب نگذاشت و بمباران کرد. چندی پیش عده ای از مردم که به اوشان پنا ه برده بودند تا شب را صبح کنند، به زور به یکی از با غده های واقع در یک منطقه نظامی هجوم بردند و در آنجا بساط خویش را پهن کردند و در مقابل اعتراض ما و یورین با آنها درگیر شدند، بعضی از مردم که ما متنبین دارند شها به نواحی اطراف تهران می روند و بساط در جا ده های اطراف شهر در ماشین می خوابند، زحمتشان جنوب شهر می خورد و در خانه های محقر خود بمانند و منتظر حوادث باشند.

رژیم هر روز نسبت به روزهای قبل در زمینه، بسیج جوانان برای اعزام به جبهه ها نتوان تر می شود، از اینرو آشکارا در اکثر شهرها جوانان را از معابر و اماکن عمومی شکار کرده و به زور سربازها روانه جبهه های می کند. اعتراضات خانواده ها در زمینه اعزام فرزندان شان به جبهه ها هر روز در وسع تری بخود می گیرد. در مسجد سیدان خا خا خا ده ها به شدت نسبت به اعزام فرزندان شان به جبهه ها اعتراض شدید نموده با بساط داران گلاویز شدند و فرزندان خود را از تویوس پنا ه کرده، علاوه بر این فرار از جبهه ها ایضا دستور تری پیدا کرده است. سربازان و نظامیان قناری، علت فرار از جبهه ها را بیپوه بودن جنگ و تا کتیک ههای نا بخردانه و ماجراجویانه فرماتدهان می دانند، پس از شکست متفحصا نه رژیم در عملیات "بدر" میزان فرار از جبهه ها چندین برابر شد. طبق گفته یک پاسدار وقتي ایران به لشکر (۳۰ هزار نفر) از رودخانه دجله عبور داد، عراق با یک حمله گانازی اول تمام پنا ه را متفرج کرد، سپس تا نکا وارد عمل شدند، به این ترتیب دست به قتل عام سربازان و نیروهای ایرانی زدند، بطوریکه از لشکر ۲۱ حمله فقط ۲۰۰ نفر تروا ستند از جمله جان سالم به در نبردند. بعد از این شکست عده ای از فرما ندهان پیش خمینی رفته و جریان شکست را به اطلاع وی می رسانند، خمینی برای توجیه این شکست متفحصا تیه بود که سخته سخنرانی معروفش را کرد و گفت "شکست و پیروزیان یکی است" در اعلام شکست و پیروزی هر دو اقدامی اسلامی است و شکست معنی ندارد، ستاد تخلیه فرودگها از زاده های مردمی که برای تحویل گرفتن جنازه عزیزان شان مراجعه کرده بودند، پر بود. در همین او از قنقط در خیابان رسالت تهران یک جا ۱۵۰ نفر را شتیخ جنازه کردند، در شیراز تا و منا طق

اطراف آن ۲۲۰ جنازه شتیخ شد... اینها جدا از هزاران جنازه ای است که در با تلاقیهای اطراف دجله باقی ماندند. به دنبال یورش و خیا نه هوا بیما های رژیم صدام به مناطق مسکونی شهرهای کشورمان، مردم می دفاع محروم که قربانی جنگ طلبی ههای حکام جنایتکار جمهوری اسلامی شده اند، خود را ساقا قدم به ایجا دینا هگا ههای برای حفظ جان خانواده شان نموده اند. مردم محروم جنوب شهر تهران که بدون کوچکترین امنیتی هوا ره آمج بهمنها و راکتها ی هوا بیما های عراقی هستند در این زمینه پیش قدم شدند و با یاری هم و با دست خالی قفره های ای ایجا دستور دادند، زحمتشان جنوب شهر تهران که وسعت دشواری آنها ردا رند تا چند روزی کارشان را تعطیل کنند و به اتفاق زن و فرزندشان به اطراف شهر پنا ها برند، اجبارا در موا قع محله هوایی به این با طراح پنا هگا هها (که به هیچ وجه امنیت آنها را تضمین نمی کند) پنا ه می برند.

مردم می گویند، رژیم جنگ افروز، بدون کوچکترین احساس مسئولیت نسبت به جان و مال همچنان بر طبل جنگ می کوبد و از مردم قربانی می گیرد. هیچ مقام وارگان مسئولی نیست که فکری به حال ما بکند. سران رژیم که وقیحا نه شکار "جنگ جنگ تا پیروزی" سر می دهند، خود در جای امن خیزه اند و بیبمبها خانه و کاشانه وزن و فرزند مردم بی گناه و بی دفاع را نیست و بنا بود می کند. مردم از روی نا چاری دست بکار ساختن پنا هگا ه شده اند، هیچک از ارگانهای حکومتی و ادارات کمکی به آنها نکرده و نمی کنند، بیفوله ها بی که مردم به ناچار به آنها پنا ه می برند، وضع اسفناکی دارا در صورت اصابت بمب به کوچهمی هم میهنان بی گناه و بی پنا ه ما تبدیل خواهد شد. عده ای از مردم محلات جنوب شهر تهران که خود را ایجا دین پنا هگا هها شرکت داشتند در مصاحبه با روزنا مه اطلاعات (۲۴ فروردین ۱۳۶۴) چنین می گویند: "برای خاک برداری از محل آزابتدایی ترین امکانات سوجدستیم و حتی با دست خالی این کار را کردیم، مقداری آهن از قبل ما دستیم و برای جوش دادن آن از دوستمان که جوشگاه است کمک گرفتیم، حدود ۲۰ کامیون خاک بیرون آوردیم... بیوشان نند سقف پنا هگا هها به دنبال وسیله مناسبی می کشتیم که متوجه ا تاقک فلزی یک کامیون که از مدتها پیش در گوشه ای بلا استفاده افتاده بود، شدیم..."

خواهند داد. سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران برای تشکیل جمهوری ملی و دموکراتیک به جای رژیم کنونی مبارزه می کنند. برنا مه جمهوری ملی و دموکراتیک در پنا هگاههای بیگانه و بیگانه است. در پنا هگاههای بیگانه و بیگانه است. جمهوری از با لانا پایین، در یک انتخابات آزاد، مستقیم و مخفی از طرف مردم انتخاب می شوند و برای مردم پاسخگو خواهند بود. "کارگران و دهقانان، خرده بورژوازی شهری، روشنگران، مین پست و متفرقی و لایه های از بورژوازی متوسط و کوچک" قدرت حاکم جمهوری هستند. بیابیده مساحت اعلام می کند: "ما با یک رژیم شوکراتیک بهر دلیل و هر عنوان که باشد خفیم. بیابیده مشترک اعلام می کند: "برای رسیدن به اهداف ملی و دموکراتیک، تشکیل جبهه واحد از کلیه نیروهای ملی و متفرقی ضرورت دارد. "راه نجات ایران از دست رژیم صدام و دموکراتیک در جبهه واحد است. "قبلا هم بیخوم مهرماه ۶۳ کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) سازمانها و گروههای چپ و سازمان مجاهدین مسئولیت ایران و حزب دمکرات گریستان را بر عهده همکاری و اتحاد عمل در راه آزادیهای مشترک و تشکیل جبهه واحد قرار دادند. سازمان مساهم زمان هم از با لانا طریق این نیروها و رهبری آنها و هم از پایین از طریق توده ها برای همکاری و اتحاد عمل مشترک و تدار جبهه تلاش می کنند و خواهد کرد. ما تا کنون با رها گروههای چپ، دمکراتها و مجاهدین راهبه تلاش مسئولانه در این راه دعوت کرده ایم. ما رهبری سازمان ما همدین خلق عملا تا کنون اتحاد عمل وسیع نیروهای متفرقی در یک جبهه گسترده را می پذیرد و به همین منظور بیخوش شرط هایی هم عنوان کرده است. رهبری پنا ههای از سازمانها و گروههای چپ نیز همکاری مشترک و اتحاد عمل در راه آزادیهای مشترک را رسا کنان گذاشته اند و تلاش برای تشکیل جبهه نیروهای متفرقی و راهب غیر مسئولانه با یز قلمداد می کنند. عده ای از ایس گروهها حتی همکاری عملی فعالیت سازمانهای متفرقی را محدود می کنند. با این حال مساهمندان در این راه مبارزه خواهیم کرد. ایس تلاش ما شمر بیخ خواهد بود، چرا که شرایط عینی مبارزه و ضرورتها ناشی از آن همکاری و اتحاد عمل نیروهای انقلابی را ضروری ساخته است. تحکیم پایه های اتحاد میان طبقه کارگر و دیگر اقشار ملیتی و تقویت همکاری و وحدت اراده و عمل کمونیستها با سایر نیروهای انقلابی از عناصر مهم تلاشی سازمان ما برای تشکیل جبهه است"

ارجاع حاکم می ترسد و تلاش دارا از طریق مخالفت با ادا مه جنگ و همچنین تلاش با رفتن استبدادی خمینی رهبری مبارزه توده ای و اردست گیر دوست مبارزه آنها را که برانداختن تمام و کمال قدرت حاکم است، منحرف سازد. در این شرایط، انجام آن وظیفه ای که بیابیده "مهمترین، عاجل ترین و اساسی ترین" می شمرد نا چار با مقابله جدی با شاه پرستان و با نشای پیگیر اهداف و برنامها و همه اقدامات سازشکارانه و مماشات گرانه امثال نهفت آزادی همراه است. راه نجات و هدفی که بیابیده پیش پای مردم قرار می دهد، راه و هدف روشنی است. سرنگونی رژیم پایان این راه نیست، در این راه باید توده های میلیونی، جمهوری ملی و دموکراتیک را برقرار کنند و در جریان و در پی استقرار آن قدرت اقتصادی و اجتماعی کلان سرمایه داران و بیوزرگ مالکان را برانداختند و برنا مه حداقل پرولتاریا را به اجرا در آورند. در جریان انشغال قدرت سیاسی و در پی آن نیز مبارزه افشار و طبقات جامعه برای کوبیدن مپروشان و استهلاک و منافع خود بر قدرت نوین ادامه خواهد یافت و تشدید خواهد شد. هر اندازه که آگاهای طبقاتی کارگران و زحمتکشان ایران در مرحله کنونی مبارزه وسیع تر و عمیق تر شده اند، اما کار پیروزی آنان در مبارزه آن دوره نیز بهیتر خواهد بود. از این رو، فداییان خلق در همان حال که برای تدارک نیروی ضرورت سرنگونی رژیم تلاش می کنند، در عین حال وظیفه دارند بطور مستمر مردم را نسبت به اهداف، برنامها و مساهم طبقاتی سایر نیروهای سیاسی ایران آگاه سازند. تا مردم به شدت که سایر نیروهای سیاسی به جای رژیم کنونی چال تر تا توی می گذارند. سلطنت طلبان که به وسیله نیم پهلوی و امینی و بیختر رهبری می شوند، تلاش می کنند نظام منفور سلطنتی را به مردم تحمیل کنند. همان نظامی که یک بار مردم علیه آن انقلاب کردند و به یاری دان تاریخ آن انداختند، ما علیه ایس نیرو میارز کرده ایم و تا آخر نیز علیه آن مبارزه خواهیم کرد.

سیخ خلق در... بقیه از صفحه اول آشکار و در رویی با رژیم سقم می دهد. ادا مه جنگ و ادا مه بحران همه جانبه رژیم و واکنش رژیم صدام مردم در برابر سرکوب اعتراضات توده ای و غیره همه عواملی هستند برای آنکه مبارزه توده ای گسترش و ارتقا بیابد. ما باید از شرایط موجود استفاده کنیم تا هم نیروی کافی برای شکستن مقاومت رژیم سیخ شود و هم نیروهای انقلابی رهبری این نیرو در اردست گیرند. هنوز با ید برای تدارک این نیرو و شب و روز تلاش کرد، هنوز هم سیران زحمتکشان که با رژیم حاکم مخالفت و سرنگونی آنها از روی می کنند، ولی برای عملی کردن این آرزو و اردکار را ضروری ندانند. بسیارند. بیابیده انقلابی باید بکوشد تا ایس مبارزه مبارزه خود را ارتقا دهد و رژیم را از مبارزه خود قنطرا دهند. تنها با آگاهگری و سازماندهی پیگیر و رژیم مردم ارتقا می مبارزات تجاری آنان است که چنین ارتقایی صورت می گیرد و نیروی ضروری سیخ می شود. امروز علاوه بر نیروهای انقلابی که خواهان سرنگونی رژیم هستند، نیروهای ارتقا می و نیسز نیروهای سازشکار و غیر انقلابی نیز برای قنطرار گرفتن در راه اعتراض و مبارزه توده ها، و منحرف کردن آن در مسیر اهداف و برنامها می خود تلاش می کنند. خود بخودی بودن جنبش توده ای و سازمان نایا فتگی آن، علی رغم گستردگی و وقتی کسیه در تضعیف رژیم و تشدید تفتادهای حکومت دارد، در شرایط دیرجینی سازمانهای انقلابی می تواند مورد بهره برداری جریانهای ارتقا می نیز قرار گیرد. اکنون سلطنت طلبان با تمام نیرو در این راه تلاش می کنند و بدین منظور فعالیت خود را در همه جهات تشدید کرده اند. آنها از مگانا ت درون رژیم و اماکن است گسترده ارتقا می منطقه و امپریالیسم بهره می گیرند. آنها از تشنگا رهی بی سابقه هیات حاکمه بهره می برند تا چهره فدا انقلابی و ما هیت ضدمردمی خود را بیوشا نند و مردم را فریب دهند. آنها به تویخود خوبی هستند که نیا پنا دیده گرفته شوند، آنها سرنگونی رژیم را می خواهند و این منظور برای جلب حمایت توده ها و تدارک نیسز تلاش می کنند. "نهفت آزادی" نیز فعالیت خود را افزایش داده است، این جریان خواستار براندازی قدرت سیاسی نیست. برنامها این نیرو حفظ سرمایه داری و وابسته موجودات و خط منی آن انجام میفرماید در حکومت به سود خود با طراح "استحاله رژیم" با روشهای قانونی است. این جریان "از جنبش بیشتر از

### از روزهای تلخ تیر

به مناسبت هشت تیر سالگرد شهادت رفیق حمید اشرف و همزمان از رفیق شمسی، یکی از قدیمی‌ترین اعضای سازمان ما که در درگیریهای تیرماه ۱۳۵۵ با ما مورین رژیم مستقیم شرکت داشته و تنها شادترین روزهای زندگی رفیق حمید است، خواستیم تا خاطرات آن روزهای سخت و دشوار را برای خوانندگان کاربنویس، بی‌گمان مطالعه این مختصر به نوبه خود نشان می‌دهد که سازمان ما تا رسیدن به مقام موالاتی سازمان سیاسی طراز نوین طبقه کارگر ایران چه راه دشوار و خونباری را پیموده و چه گام‌های بلندی در راه پیشرفت و تکامل برداشته است.

با درود به خاطر شهیدان به خون خفته خلق شهدای پاک باخته سازمان ما، در این مختصر شمای از خاطرات زندگی ام را که در حقیقت گواهی از تاریخ و تاجا سازمان ما است، به مناسبت سالگرد شهادت رفیق حمید عزیز و همزمان و وقایع روزهای تلخ تیرماه ۵۵ را بازگو می‌کنم:

رفقا! من در یک خانواده زحمتکش بدنیا آمدم. ۱۷ ساله بودم که به مبارزه سیاسی روی آوردم. مدتی گذشت که با رفقای شهیدزها قلهک و نزهت السادات روحی آنها را آشنا شدم. در سال ۱۳۵۵ به سازمان پیوستم، به دستور سازمان برای آشنایی با مسایل کارگری و شناختن مطالب مبارزه کارگران در کارخانه آزمایش بکسار مشغول شدم. پس از آن، مدتی نیز در کارخانه کفش بلا کار کردم. در پایان سال ۵۲ به دستور سازمان وارد یکی از تیم‌های عملیاتی سازمان شدم. مسئول تیم مادران زمان رفیق شهید حسن نوروزی بود. رفیق حسن، کارگریک انقلابی برجسته و صمیمی بود. او از ستمی که بر مردم طبقه کارگری رفته شناخت مستقیم و بلاواسطه‌ای داشت.

رفیق شهید یوسف زرکاری که یک کارگر مبارز و انقلابی بود، با ما کار می‌کرد و نیز عشق بی‌پایانی به خلق و کینه و صفت ناپذیری به دشمن داشت. مدتی گذشت و من این امکان را پیدا کردم که با رفیق شهید حمید اشرف آشنا شدم. رفیق حمید عشق و اعتقادی عمیق به کمونیسم داشت. او رفیق صمیمی و خوش فکری و متفکر با خصوصیات انقلابی برجسته بود. او ذهنی پویا و اراده‌ای پولادین داشت. رفیق حمید با تمام وجود می‌رزید، با همه وجود به کارگران و زحمتکشان عشق می‌ورزید، انرژی او بی‌پایان نبود. شناختن نا پذیر و روحیه بی‌خوف و بی‌سایر متواضع بود. با کارایی و توان خویش و با خصوصیات برجسته اش همه رفقا را تحت تاثیر قرار می‌داد.

بها رسال ۵۵ من به همراه تنی چند از رفقا در یکی از پایگاه‌های اشهراتی سازمان در تارنیک زندگی می‌کردیم. در یکی از روزهای آخر اردیبهشت ساعت ۵ صبح که ما آماده ورزش روزانه بودیم، صدای رگبار مسلسل که از راه دور شنیده می‌شد، سکوتی سنگینی در جمع ما حکمفرما کرد. پس از آنکه ورزش، ۲ تن از رفقا برای بررسی وضع از خانه خارج شدند. رفیق شهید بهزاد میری دوان کشته از اعضای تیم ما بود، نیز برای انجام کاری از خانه خارج شد. من و یک رفیق دیگر باقی ماندیم. در پایگاه ما مقادیر زیادی وسایل و اسلحه موجود داشت. مسلسل تانک ما شین تایپ در آنجا بود. من مشغول تایپ نبرد خلق شماره ۷ بودم. حدود ساعت ۷ صبح تلفن رنگ زده، رفیق شهید سرتن گفت: آقا، عضو کمیته مرکزی سازمان (ن) بود، او به من گفت: شمس فوراً اسلحه موجود در خانه را بسوزانید و از خانه

خارج شوید" ما فوراً اقدام کردیم. اسلحه‌ها را سوزاندیم و مسلسل و تایپ را برپا داشتیم. قصد خروج داشتیم که رفیق سرتن سرزده به منزل ما آمد. رفیق سرتن گفت: احتیاطاً همه رفقای رهبری شهید شده‌اند. ما پرسیدیم چگونه؟ او پس از شناسایی ما با چند پایگاه، گفت هیچکس جواب نداد. ما با او فاصله گرفتیم. هنگام ورود به پایگاه تهران پارس مشاهده کردم که پایگاه محاصره است و رفقا درگیر شده‌اند. او گفت به پایگاه کوی کن هم تلفن زدم و رفیق غلامعباس زرکاری گوشه‌ای را برداشت و گفت: "نیاید که خانه محاصره است و ما درگیریم". غم سنگینی وجود ما را فرا گرفت. ولسی زمان غم خوردن نبود، با تسلط بر اعضا به ما با بدسریر اقدام به خروج می‌کردیم. زیرا احتمالاً رفقا از کانال تلفن ردگیری شده بودند و خانه مان نیز در آن نبود. سریرا خارج شدیم و خانه‌های درون را پارس رفتیم. در این درگیریها رفیق حمید اشرف موفقی شده بود و چندین محاصره بگریزد. او بعد از درگیری در چند خانه و کشتن چندین مزدور ساواک، خود را به خانه‌های درکوی کن رسانده بود. پایگاه مزبور نیز تحت محاصره بود. او طرف آن گشتیهای فراوانی پهن می‌زدند. گشتیها به ما متشکک می‌شوند و ایست می‌پوشند. ما با آتش مسلسل حمید که همواره آماده شلیک به قلب دشمن بود، مواجه می‌گردیدیم. تعدادی از آنها کشته و مجروح می‌شوند. رفیق حمید که موفقی شده بود مسلسل تازه‌ای از درختستان به غنیمت بگیرد. در حالی که زخمی شده بود به یکی از پایگاهها در خیابان نظام آباد مراجعت می‌نمود. رفقای مقیمان پایگاه سریرا مشغول مدادی اومی شوند. چند لحظه نگذشت که پایگاه مزبور نیز محاصره گردید. مزدوران تارنجکی به حیاط خانه می‌آمدند و زنده‌ها را به طرف شروع به شلیک می‌کنند. رفقا با هوشیاری و شجاعت کم نظیر، همگی سالم از این پایگاه می‌گریزند و به کسی آسیب نمی‌رسانند. روزنامه ما خبر شهادت ۱۲ رفیق را در درگیریهای آن روز نوشتند. لحظاتی سرنوشت ساز و غم انگیزی بود. به نظرم می‌رسد که هیچ یک از آنها امنیت نداشت. احساس می‌شد سازمان در تیرماه ۵۵ افتاده است. با بدسریرا امکان ساخت و امنیت رفقا را تا مین کرد. خبر شهادت ۱۲ رفیق خیلی سنگین بود. همسفری می‌پرسیدند: یک از رفقا شهید شده‌اند، چند سدی نگذشت که رفیق سرتن خبر سلامتی رفیق حمید را آورد. اعتراف پایگاه ما خوشحال شدند. قلبها یمان کمی آرام گرفت.

مادر خانه تهران پارس که ۹۰ متر بیشتر نبود و نسبتاً من بنظر می‌رسید، ۹ نفره زندگی می‌کردیم. همه ما نسبت به هم چشم بسته بودیم. یعنی هیچکس از ما برای جلوگیری از آسیب پذیری سازمان حق نداشت از مشخصات ظاهری رفیق دیگر مطلع باشد. همه رفقا بگونه‌ای از درگیریهای خیبرجان سالم بدر برده بودند. شرایط زندگی ما در آن خانه بسیار دشوار و طاقت فرسا بود. من به اتفاق شهید کیومرث سنجری در زیر زمین خانه، اتاقک تایپی درست کرده بودیم. تا صدای تایپ را همسایه‌ها نشنوند و مشغول تایپ نبرد خلق شماره ۷ بودیم. رفیق حمید اشرف هم در جمع ما بود. در آن غوغای نبرد شبانه من مطالب نبرد خلق را تهیه می‌کردم. من می‌داد تا تایپ کنم. بوضوح عیبی بود. هر لحظه امکان حمله دشمن وجود داشت. ولی رفقا با شوق فراوان و عشق و ایمانی و وفات ناپذیری بسیاری از مشکلات چیره می‌شدند. رفیق حمیدی گفت با بدسریرا در جمع هر چه بیشتر منتشر شود تا دشمن بفهمد که سازمان ما نابود شدنی نیست، انتشار نبرد خلق ضروری است. همچنین به دشمن و نیروی بخش رزمندگان فدایی خواهد بود. ما موفقی شدیم در آن کارزار ناپذیری نبرد خلق را منتشر کنیم و بخش نما بییم.

شب ۸ تیر قرار بود رفیق حمید به خانه بیاید اما نیامد، ما نگران شدیم، رفیق سرتن اطلاع خلق پس از هر ضربه قوی تیرها خسته‌اند و تجربیات گذشته را توشه راه آینده کرده‌اند. زیرا که سازمان ما ریشه در میان کارگران و زحمتکشان میهنستان دارد. تا مبارزه آنان ادامه دارد، ما نیز خواهیم بود و رژیم خود را می‌خواهیم گرفت. رژیم جنایتکار خمینی نیز از موربان رژیم آمریکا بی سودی است. سازمان ما را در سر می‌پروراند. اما مقاومت و مبارزه دهها هزار فدایی خلق، دوزخیمان را در اجزای نقشه‌های شوم و ضد مردمی شان ناکام ساخته است. تلاشهای مذبح‌خانه دوزخیمان به هیچ وجه قادر نیست جلوی

دادگاه وضع عادی است. رفیق حمید برای تشکیل اجلاس کمیته مرکزی سازمان ما به پایگاه مهرآباد جنوبی رفته بود. آن شب گذشت و روز بعد ما از طریق راه دیومطالع شدیم که همه رفقا شهید شدند. شمسای رفقای رهبری سازمان در یک درگیری طولانی و بی‌قهرمانی کم نظیر ایستادند. زرمیدند و چنان بر سر بیمان خویش با خلق نهادند. آن لحظاتی را هیچگاه فراموش نمی‌کنم. سکوت سنگین و آنگاه ناگهانی خانگیه را فرا گرفته بود. در آن لحظاتی همه رفقا به فکر مسئولیت خطیری بودند که از آن پس به عهده تک تک ما قرار می‌گرفت. رفیق حمید و یاران از شنیدن این زنده‌ست‌ها ده بودیم ولی مبارزه ادامه داشت. عشق به مردم و ایمان به آرمانهای انقلابی و شریفان عزم ما را استوارتر می‌کرد. کوچکترین تاخیری جایز نبود. بلافاصله تصمیم گرفتیم که ارتباطات قطع شده را با سازمان کنیم و ادامه عزم را کنترل کنیم. تمام ارتباطات ما قطع شده بود. وضع مالی ما بسیار بد بود. رفیق شهید سیمین توکلی که برای تأمین پول از یکی از هواداران سازمان ما موربت یافته بود، برای انجام این کار در تهر پولیس افتاد و شهید شد. حالاً بیدار شدن مکان زندگیمان را نیز نتوانستیم می‌گردیم. شهادت شهید و نه پول، همه رفقا مجبور به خروج از خانه شدند. به دلیل نبودن امکان سازمانی هر کس با بدسریرا برای زندگی و حفظ خود امکان می‌ساخت. برخی از رفقا شهیدان در پایگاه اطراف تهران می‌خواستند. روزها را سرگردان در اتوبوسها می‌گذرانیدند تا از زندگیتان پلیس در آنجا با شنیدن و نرفقا از جنوب شهر تهر بار می‌فرستادند. من هم به منزل ما در رفیق شهید خدا بخش شاهی رفته و چندی در آنجا ماندم. تا اینکه با تلاش خستگی ناپذیر و احساس مسئولیت انقلابی رفیق شهید و فداکار حسن فرجودی لنگرودی، این رفیقان مقاومت و ایستادگی را تا ما با شامه شهید سازمان برقرار شد و روزها، روزی از زانو، حرکت دوباره آغاز شد. با شوق و صفت ناپذیری، با عزمی پولادین و عشق بی‌کران به کارگران و زحمتکشان و کمونیسم دوباره تقریباً از صفر آغاز کردیم. بله رفقا، در سال ۵۵ برای چهارمین بار همه هیران سازمان ما شهید شدند. ولی ما می‌پوشیم مگر یک کمیونیت می‌تواند همه چیز را تمام شده بداند. نه، نه، هرگز. ما از مرگ جزایر شرم‌ناک، رهبری جدید از رفقای باقی مانده انتخاب کردند. رفقای ما با جنگ و دندان سازمان را احیا و پرچم برافراختند. راه را در راهرانگه داشتند.

رفقا! از اینجا و رشتما این است که هرگز سگ مبارزه کارگران و زحمتکشان را ترک نکنیم. ماندیم و زرمیدیم و خاتم، به یک بار، بلکه چندین بار هر بار روپا ترو زنده تر، آگاه تر، و رواج تر. آری رفقا از رفقای ما در این است، ما بر چرب روپا و بی تجربگی ما غلبه کردیم. سازمان ما را از محاصره اندیشه و سیاست‌های نادرست و اشکال نا مناسب سازمانی در آوردیم و قدم به قدم در عرصه اندیشه و سیاست و تشکیلات اجتماعی پیوسته و راه عمیق ترین و پایداری ترین پیوندها را با طبقه کارگر ساخته و توده‌های میهنمان گنودیم. امروز سازمان ما سازمان طراز نوین طبقه کارگر ایران است. امروز سازمان ما آماج شدیدترین طوفان‌های ارتجاع و امپریالیسم است. با زهم رهبران ما و کارها و اعضا سازمان ما شکت پیگیرند. با زهم رفقای ما ما می‌گیرند و شکت می‌کنند و به جوجه عقاب می‌سازند. با زهم رفیق قربانعلی مودنی ما و دهها و صدها چهره تابناک انقلابی چون او به دست رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی شهید می‌شوند. اما ارتجاع تیر بر سنگ خارا می‌کوبد، ما بر سختی و شکنجه و مرگ غلبه می‌کنیم، راه پیروزی را بر آوارگاه ارتجاع هموار می‌سازیم.

روز انقلابی ما را بگیرد و ما را تلاش برای رها بیی کارگران و زحمتکشان با زده. جای هر رفیق ما از ما که شهید می‌شود، با بزندانی ما افتد. توسط دهها و صدها فدایی دیگر بر می‌شوند و صوف ما فشرده تر می‌گردد. امروز بر سر سترجنش اوج یافته کارگران میهنمان، زمینه‌های مبارزه بیشتری برای گسترش فعالیت انقلابی سازمان فراهم شده است. بسا کوشش و تلاش خستگی ناپذیر فدایان خلق، سازمان ما روز بروز توانایی بیشتری برای پاسخگویی به وظایف انقلابی خویش می‌یابد.

میراث انقلابی شهدای تیر و همه شهدای فدایی در هستی سازمان نشان که یکی از گردانهای پیشاهنگ طبقه کارگر و پرچم رزم کارگران و رنجبران میهنمان است، تجسم یافته است.

شکست کارگر که شکست کارگر است  
تاریخ است مبارزه با جباران  
از رهبران ایستاد در راه  
دژها و سربازان

گرامی باد ۸ تیر  
بقیه از صفحه اول  
و با ایمان راسخ به سوسیالیسم و کمونیسم به پیکار انقلابی مشغول گردید. انقلابی سرشناس حمید اشرف از پایگاه کارگران گروه جزئی - ظرفی و از بنیانگذاران سازمان ما بود و نقشی ارزمند در حفظ و اعتلای سازمان در مقاطع حساس عهده داشت. حمید چه پس از دستگیری رفقای گروه جزئی در سال ۴۶ و چه بعد از ضربات گسترده به گروههای موسس سازمان در سال ۴۹ و چه در سالهای ۵۰ و ۵۱ و دوره‌های سخت و دشوار دیگر، با یاری تنی چند از رفقایان نقشی ارزمند در سازمان ما شندی و تضمین ادامه کاری مبارزه سازمان به عهده داشته است. رفیق حمید مبارزی خستگی ناپذیر و صلحشور بود. خصایل مردمی و شریف داشت و یک لحظه از مبارزه برای رها بیی کارگران و زحمتکشان با زنا بیستاد، عزم و روحیه قوی او همواره امیدبخش یاران مبارز ما بود. رژیم شاه گمان داشت که با شهادت رفیق حمید و یاران، سازمان ما متلاشی خواهد شد. ما فدا بیان

## جاودان باد خاطر شهدای بخون خفته خلق

### جنگ برادرکشی در لبنان وشادی های رژیم ایران

اینک بعد از بیرون رانده شدن نیروهای اشغالگر توسط میهن پرستان لبنان و بی سرروزی بردولت تجا و زکرا سران شیل ، جنگ و برادرکشی در جنوب لبنان اوج گرفته است . افراد مسلح سازمان "امل" با توپ و تانک به اردوگاه های فلسطینی صبرا ، شیتلا و برج البراجنه حمله کرده و عده زیادی از فلسطینی ها را که از خانه ها گشته خود دفاع می کردند ، کشته و اردوگاه ها را به محاصره درآورده اند . هدف امل از این یورش ، خلع سلاح کامل فلسطینی ها و کنترل اردوگاه های آنهاست .

علت این درگیری های خونین را باید در مسأله موقعیت فلسطینی ها در لبنان جستجو کرد . فلسطینی ها برای اولین بار در سال ۱۹۴۸ ، بعد از رانده شدن از سرزمین خود به کشورهای عربی از جمله لبنان پناهنده شدند . در جنگ ۶ روزه سال ۱۹۶۷ و قتل سنا اسرائیل ، غزب رود اردن را اشغال کرد ، عده فلسطینی ها در لبنان را افزایش یافت و به ۳۵۰ تن ۴۰۰ هزار نفر رسید . پس از آن ، اردوگاه های بزرگ فلسطینی صبرا و سران سرلبنان بوجود آمد . لبنان تا سال ۱۹۸۲ مقر اصلی نیروهای فلسطینی بود . در این سال صهیونیست ها به لبنان حمله کرده و بعد از اشغال جنوب لبنان ، بیروت را به محاصره درآورده و بی توپ و تانک و هواپیما به جان مردم بی گناه افتادند . نیروهای صهیونیستی شرط قطع تجا و زکرا به بیروت را خروج فلسطینی ها از بیروت اعلام کردند . زمینگان فلسطینی در مدت محاصره بیروت قهرمانانانه علیه تجا و زکرا جنگیدند و حمله های شورا نیکو کردند ، و سرانجام خروج از بیروت را پذیرفتند . اکنون ، که در سایه بیگاری میهن پرستان لبنان ، نیروهای اشغالگر مجبور به ترک لبنان شده اند ، مسأله موقعیت فلسطینی ها در لبنان به کانون درگیریها تبدیل شده است .

زمینه ساز این درگیری های خونین را که به جنگ " اردوگاه ها " مشهور شده است - باید در مسأله تجا و زکرا و تفرقه افکنانه امپریالیستی و صهیونیسم دید . آنان از یک سونفلسطینی ها را از سرزمین خودشان بیرون رانده و برای سرکوب جنبش فلسطینی و مبارزات رها بی بخش کشورهای عربی به تجا و زکرا و لشکرکشی متوسل می شوند و از سوی دیگر تلاش می کنند در صفوف زمینگان فلسطینی و خلق های عرب شکاف بینا بزنند . اکنون که نیروهای اشغالگر اسرائیل و همچنین نیروهای چند ملیتی ، مجبور به عقب نشینی از لبنان شده اند ، به طرق مختلف می کوشند به اختلافات قومی ، مذهبی و سیاسی و درگیری بین نیروها را دامن بزنند و آتش جنگ را در لبنان شعله ورنگه دارند .

توسل به جنگ و کشتار برای حصول اختلافات به سود دشمن مردم لبنان و دولت های ارتجاعی منطقه بوده و نمی تواند مورد تایید نیروهای ترقیخواه قرار گیرد . قریب دو سوم جمعیت و محکوم گردید . این اقدامات فاجعه آمیز ، متنها توان و قدرت رزمندگی مردم لبنان را در بریکار علیه صهیونیست ها تحلیل می برد . خصم مردم لبنان در اردوگاه های فلسطینی مستقر نیست ، بلکه در بین نیروهای فالانژ و در آن سوی مرزهای لبنان ، در سرزمین های اشغالی است . امروز می باید است نیروهای مبارز لبنان و فلسطین بر سر میز مذاکره اختلافات خود را حل کرده و متوجه علیه دشمن مشترک بیگارنمایند .

در جریان حوادث اخیر لبنان منتظری های تاسی را به ریاست کسروبیسی روانه لبنان ساخت تا با راجان نیون جنوب لبنان و با طرف های درگیر جهت برآین دادن به جنگ به مذاکره بپردازند . منتظری به هیات اعزامی گفت : " به روحانیت میا رز در لبنان بگویند اگر در این شرایط حساسیت نگیرد و با قاطعیت وجدیت وفاداری جلوی این جنگ و خونریزی داخلی را نگیرد ، تمام زحمات و خدمات آقایان محترم و جوانان مبارز و بیگارانه لبنان را بر باد خواهد رفت . این دلسوزی فریبکارانه از جانب منتظری ، در شرایطی صورت می گیرد که سران رژیم جمهوری اسلامی برای شکاف انداختن در درون جنبش فلسطین و میهن پرستان لبنان بیشترین تلاش را می کنند . آنان به جای دفاع از حقوق مردم فلسطین و حمایت از سازمان های سیاسی آنها ، به ساختن سازمان های مجعول الهویه دست زدند ، رهبران رژیم بعنوان اینک یدشولوزی ساز متنها است که می توان در مردم فلسطین راجات دهد ، به تضعیف سازمان آزادی بخش فلسطین پرداخته و بسبب اختلافات درون آن دامن زده اند .

سرمه ران رژیم خمینی ، در بریکار میهن پرستان لبنان علیه اشغالگران اسرائیل نیز به شیوه های تفرقه افکنانه متوسل شده ، آنها به جای حمایت از میهن پرستان لبنان به شکل گیری جریان موسوم

به " حزب الله لبنان " یاری رسانند . حزب الله لبنان ، همانند همسایگان خود شدیداً مرتجع و انحرا طلب ، تفرقه جو ضد کمونیست و سرکوبگر است و با علم کردن پرچم اسلام به تفرقه در صفوف مبارزان لبنان مشغول است . رژیم خمینی در سده سال ۶۴ ، مقادیر معتدلی به عنوان کمک به این جریان های تنگ نظرها را طلب اخمص داده است . مردم میهن ما با سیاست های تفرقه افکنانه رژیم خمینی در درون جنبش های رها بی بخش و حمایت از جریان های قشری مرتجع آشنا هستند و می دانند که عزائم هیات به لبنان رنه از سر خیرخواهی و انسان دوستی ، بلکه دقیقاً با هدف تقویت مواضع منسوخ و دست پروردگان رژیم در لبنان است .

### کنگره بین المللی ضد انقلاب!

در ماه گذشته در یکی از اردوگاه های دستجات خرابکار آنکولاموسومبه اونیستا ، سران باندهای ضد انقلابی از چند کشور گرد آمدند و به مذاکره و مشاوره پرداختند . در این اجتماع شرار افغانستان ، باندهای ضد انقلابی نیگاراگوئه ، خرابکاران اونیستا و دیگر دستجات ضد انقلابی شرکت داشتند . لوئیس لرمسان دوست نزدیک ریگان و سرپرست سازمان ارتجاعی موسوم به " اتباع هوا دار آمریکا " در این اجلاس سخنرانی کرده و اظهار نمود : " هدف های شما هدف ما است " و در آخر سخنرانی برای دستجات ضد انقلابی آرزوی موفقیت کرد .

بنابراین گزارش مطبوعات آمریکا ، اجتماع بین المللی ، سران دستجات خرابکار در خاک آنکولا ، مقدمه ای برای نخستین کنگره جهانی ضد کمونیست " ها است که دولت ریگان می خواهد تشکیل دهد .

راه اندازی دستجات تروریست در سالهای اخیر به یکی از ارکان اصلی سیاست تجا و زکرا دولت ریگان علیه کشورهای رها بی یافته تبدیل شده است . دولت آمریکا هر ساله میالغ کلانی برای کمک به باندهای خرابکار اختصاص می دهد . دولت ریگان سر کرده های جنایتکار باندهای تروریست را در خاک آنکولا گرد آورده است تا در مورد خرابکاری و کشتار مردم بیگناه با هم به مشاوره بپردازند . این اجتماع گام جدیدی در مشروعیت بخشیدن به تروریسم و جنایات ضد انقلابیون توسط آمریکا است . نیروهای مترقی جهان تلاشهای مذبحا ندریگان برای راه اندازی باندهای ضد انقلابی و بین المللی کردن تروریسم را محکوم کرده و علیه آن مبارزه می کنند .

### دلارهای آمریکا علیه نیگاراگوئه

سرانجام ، مجلس کنگره آمریکا مبلغ پیشنهادی دولت ریگان برای کمک به باندهای ضد انقلابی نیگاراگوئه را تصویب کرد . با این تصویب مجلس کنگره ، " سیا " امکان خواهد یافت که دستجات خرابکار نیگاراگوئه را به سلاحهای بیشتر و مدرن آمریکا مجهز نماید .

این اقدام ریگان که به دنبال تحریم اقتصادی نیگاراگوئه صورت گرفته ، به معنی گسترش با زهم بیشتر جنگ اعلام شده علیه دولت انقلابی ساندینیست ها بوده و به تشدید و خامت اوضاع در آمریکای مرکزی منجر خواهد شد . دانیل اورتن رییس جمهور نیگاراگوئه اعلام کرد : " این تصمیم منافرا میا زمین و منشور سازمان ملل متحد است ، مبلغ تصویب شده از سوی مجلس کنگره آمریکا برای اشخاصی در نظر گرفته شده است که به دستور سازمان " سیا " آمریکا به قتل و کشتار مردم در نیگاراگوئه مشغولند . در نتیجه اوضاع آمریکا مرکزی روبه وخام گرا میاید و مداخله نظامی آمریکا در آن شدت می یابد .

مردم و نیروهای مترقی و صلح دوست جهان اقدامات تجا و زکرا و دولت ریگان ، علیه انقلاب نیگاراگوئه را محکوم کرده و از مردم و دولت انقلابی نیگاراگوئه حمایت می کنند . شرکت کنندگان اجلاس اخیر سر سمپوزیوم بین المللی ویژه خلع سلاح در کمزیک ، سازمان آمریکا در مورد نیگاراگوئه را شنیدند . مورد اشتقاق در آن دادند .

### توطئه جدید آمریکا علیه کوبا

دولت ریگان ، ایستگاه رادیویی جدیدی به نام " رادیو مارتی " ، که علیه حکومت انقلابی کوبا و نیروهای مترقی سخن بپراکنی خواهد کرد ، بر راه انداخته است .

دولت تجا و ریگان ، تا کنون برای خاموش کردن شعله های خشم مردم آمریکای مرکزی علیه امپریالیسم جهانخوا را آمریکا با اقدامات گوناگونی از جمله تجا و مسلحانه ، محاصره اقتصادی ، ترسیت مزدور و عملیات تروریستی متوسل شده است . اکنون

برای تکمیل مذاکلات و فشارهای خود ، میالغ کلانی اختصاص داده است ، تا با راه انداختن تبلیغات جعلی ، در راه رها بی مردم ستمدیده آمریکای مرکزی از یوغ جفا خواران موانع جدیدی بوجود آورد و در سازمان جامعه نوین در کشورهای رها یافته اختلال ایجاد کند .

دولت آمریکا تا کنون علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و مترقی ایستگاه های متعدد را دیویی دایر کرده و بودجه های کلانی را برای اینکار منظور کرده است . در ماه گذشته دولت ریگان علیه حکومت انقلابی افغانستان نیز ایستگاه رادیویی دیگری به راه انداخته است . ولی ایسن توطئه ها همانند دیگر اقدامات آمریکا نخواهند توانست جنبش خلق های بیباخته علیه امپریالیسم جهانی را متوقف سازد .

### جلسه مشاوره در مسکو

در اواسط ماه گذشته ، جلسه مشاوره ای بین امریون تسریخ روند پیشرفت علمی و فنی در مسکو تشکیل گردید . در این جلسه ، مقامات حزبی و دولتی ، وزرا ، دولت ، روسای کمیته های دولتی ، نمایندگان اتحادیه های کارگری ، دانشمندان مشهور ، مدیران صنایع و کشتار و کشتارگران و کشتاروزان برجسته شرکت داشتند . میخا بیل گاربا چف ، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ، گزارشی مبنی بر " مسایل بنیادی سیاست های اقتصادی حزب " ارائه داد . وی در این گزارش گفت : " ما به پیشرفت عظیمی در مسایل اقتصادی تا سال آینده ایم که به آن فخر و میباید می کنیم . در کشور ، هزاران واحد تولیدی احداث شده و چهره شهرها و روستا های ما تغییر یافته و وسط فرهنگ ، آموزش و بهداشت با لافزته است . برای بهبود شرایط مسکونی ، فرهنگ و معیشتی رفاه مادی بطور کلی ، کارهای زیادی انجام گرفته است . برتری های سوسیالیسم و اقتصاد دیمتستی بر برنا مه ، در همه موارد به روشنی نمایان است ، ولی در پیشرفت اقتصادی اوایل سالهای ۷۰ ، مشکلات معیشتی احساس می شود . علت عمده مشکلات در این است که ما در نوسازی سیاست های ساختاری ، اشکال و شیوه های مدیریت و روانشناسی فعالیت اقتصادی ، با فشاری نشان ندادیم .

در باره حزب و همه مردم شوروی ، وظیفه رفیع گرایشات منفی و بهبود تسریخ امور قرار دادی اکنون کشف و بیگار بردن همه ذخایر برنا مه ای ارتقا ، تفریحی کارمندان عده ای است که در راهی ما با بی ضروری حیاتی تغییر جهت گیری هرواحد داشته و تمام اقتصاد ملی در راه پیشرفت سریع را در کنگرند . برای پیشرفت عمقی می باید به دگرگونی های جدی در مکانیسم اقتصادی و افکار صورت گیرد .

میخا بیل گاربا چف در پایان سخن خود گفت : " در برابری ، کارهای جدید ، بزرگ و مشکل قرار دارد ، اما ما می توانیم از زحمات گذشته آنرا به نفع کمونیست اتحاد شوروی اطمینان داریم که از عهد این کاربرخوا هدا مید . ما موظف هستیم از عهد آن برآیم . "

### دور دوم مذاکرات ژنو

در اوایل ماه گذشته ، دور دوم مذاکرات اتحاد شوروی و آمریکا پیرامون تسلیحات فضا پیوسته ای در ژنو آغاز شد . در این دور اتحاد شوروی بار دیگر آمادگی خود را برای یافتن راه حل های مورد قبول طرفین اعلام داشت .

به نوشته روزنامه پرا وادادورا اول مذاکرات نتوانست به نتایج رفایت بخشی برسد . اتحاد شوروی در مذاکرات ژنو پیشنهادهای معیشتی در تمام جوانب ارائه داده است ، ولی موضع آمریکا فادعنا سرما زنده بوده و با اهداف و مواضع میهن موافقت نرما زا شویه منفرات است . آمریکا با زیر پا گذاشتن موافقت نامه ها ، آشکارا اعلام می کند که تحت هر شرایطی برنا مه " جنگ ستارگان " را که همانا تولید سلاح های فضا پیوسته است ، ادامه خواهد داد . و در مقابل پیشنهاد طرح جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی در فضا میگوید : " کافی است در مورد مقررات هدا بیت سلاح معیشتی نوع سیستم سلاح های فضا پیوسته ، تعداد دوزمان کاربرد آنها توافق صورت گیرد تا جلوی مسابقه تسلیحاتی گرفته شود . "

اتحاد شوروی ، با وجود کارکنانی های آمریکا همچنان خواه ستار رنداوم مذاکرات ژنو است . گاربا چف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی می گوید : " ما آمیدواریم که در شراکات ما به ندای مردم که خواهان استقرار صلح و پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی هستند ، توجه کنند . ما آمیدواریم عقل سلیم ، واقع بینی سیاسی و حساس مسئولیت برای آیند ، صلح آمیز غلبه پیدا کنند . ما به توانایی مردم برای حفظ حق زندگی ایمان داریم . "

### از نبرد فدائیان خلق

طی ماه های اخیر فعالیت های انشعاب راتسی و تبلیغاتی رفقای ما در نقاط گوناگون کشور میزبان قابل ملاحظه ای گسترش یافته است. فداییان خلق بسا بهره گیری از شیوه های ابتکاری و گوناگون، پیام سازمان را در میان رگزان و زحمتکشان می رسانند. رفقای ما در مسیح مردم علیه جنگ و علیه رژیم جنگ افروز و انعکاس اعتراضات خلق نقش برجسته ای به عهده دارند. تراکتها و اعلامیه های گوناگونی که واحدهای سازمان در نقاط مختلف کشور انتشار داده اند و پیش نمودند و شعارهایی که بر در و دیوار نقش زدن همگی حاکی از حضور فعال سازمان ما در میدان گسترده رزم مردم است.

نمونه های زیر فعالیت فداییان خلق را در سازماندهی مبارزه کارگران و زحمتکشان و ارتقاء شعاری آنان در نقاط مختلف کشور استهستی ضد مردمی رژیم و در انعکاس اخبار مربوط بسه اعتبارات، اعتراضات و تظاهرات شده ها منعکس می کنند.

**تهران:**  
- در تراکت افشاگرانه ای که فعالین فدایی تحت عنوان "نگاهی به شال انقلاب" منتشر ساخته اند، وسیعاً در شهر پخش شده چنین آمده است: "خمینی در سال ۵۷ می گفت: 'مندهدستان پنبه بسته دهقانان است، فداییان اکثریت در برنا به خود اعلام کردند: 'زمین از آن کسان است که روی آن کار می کنند. شورای نگهبان ارتجاع اعلام کرد: 'تقسیم اراضی بزرگ مالکان (بند) غیر شرعی است. خمینی در سال ۶۱ گفت: حرف شورای نگهبان است. مردم مبارز برای دفاع از اهداف انقلاب متشکل شوید."

- "خمینی در سال ۵۷ می گفت: 'کارگران ستون انقلابند. فداییان خلق در برنا به خود اعلام کردند: 'افزایش دستمزد، روزگار در دهفته، قانون کار انقلابی، تأمین بیمه های اجتماعی، مشارکت کارگران در سرنوشت واحدهای تولیدی، شوراها و سندیکاها، کارگری برای کارگران، خمینی در سال ۶۳ گفت: 'تجار محترم استوانه انقلابند. کارگران مبارز متشکل شوید. برای افزایش دستمزد، قانون کار انقلابی، طرح طبقه بندی مشاغل، جلوگیری از اخراج و تحقّق خواستهای دیگر خود علیه ارتجاع حاکم بسا خیزید."

- فعالین سازمان در تهران با پخش وسیع تراکتی با مضمون دعوت خلق به نبرد علیه رژیم، مردم را هر چه بیشتر با شعارهای سازمان آشنا کردند. در بخشی از این تراکت آمده است:  
"موشان عزیز! برای پایان بخشیدن بسه جنگ ایران و عراق، پایان دادن به رژیم سرکوب و اختقاق، خاتمه دادن به کشتار خلق، پایان دادن به قراردادهای اسارت با امپریالیستی پایان دادن به نظام بزرگ سرمایه داری و بزرگ مالکی، پایان دادن به گروانی و بیکاری، جلوگیری از اجافات قرون وسطایی به زنان، پایان دادن به گسترش بی سابقه اعتیاد، فساد اخلاقی، ارتشاء و اختلاس، پایان بخشیدن به فرهنگ ستیزی و هتسرتی، متشکل شوید و مبارزه علیه ارتجاع حاکم را گسترش دهید."

- فداییان خلق در تهران با پخش وسیع تراکتی از مردم خواستند، در برابر هرگونه اقدام ضد مردمی و سرکوب گرانه رژیم متحد و یکپارچه به مقابله و اعتراض برخیزند. در این تراکت آمده است: "خمینی در سال ۵۷ می گفت: 'شاه ایران را گورستان کرده است، شاه ایران را زندان کرده است. فداییان اکثریت در برنا به خود اعلام کردند: 'باید رژیم دیکتاتور شاه را نبود کرد. باید آزادی به مردم بازگردانده شود. استقلال، آزادی، صلح و عدالت اجتماعی خواست مردم میهن ما است."

... شمره حکومت خمینی چه بوده است: برترتعداد زندانها، هر روز افزوده می گردد، به دلیل جنایات جنگی رژیم قربانان هر روز وسیع تر می شود. کارگران را در کارخانه ها به گلوله می بندند، اعدای دستجمعی برای افتداده است، افراد سرکوبگر حکومت آسایش و آرامش مردم را سلب کرده اند، جوانان و نوجوانان را دسته دست در جبهه به کشتن می دهند.

همه اینها شرافتند! برای مبارزه علیه رژیم آزادی کش و جنگ افروزمی، دشمن همه کارگران، دهقانان، بیپیشه و جوانان و زنان میهن مسا متشکل شوید، مرگ بر جنگ و استبداد، زنده باد صلح و آزادی.

- فداییان خلق در تهران با پخش وسیع اعلامیه ای تحت عنوان "جنگ و کشتار و ویرانی رمان رژیمهای ضد مردمی مدام خمینی را می بینیم" از مردم میخواستند راه گسترش بازم بیشتر اعتراض و تحمیل صلح بسه جناحکاران حاکم بر ایران، فرا خوانند. در این

اعلامیه آمده است: "رژیم در حالی بر آتش جانسوز جنگ همچنان می دمده و همراه با رژیم ضد مردمی مدام مردم ایران و عراق را در قریب نگاه جنسک بنا بود می کند که مردم دو کشور با نگرانی اعتراض خود را علیه جنگ پیش از پیش بلند کرده اند... این تنها بیبیا، ارتقاء و موشکهای رژیم ضد مردمی عراق نیست که هم میباید ما را در شهرهای مهین به خاک خون می کشد... تنبوه اجساد جوانان میهن کسه طی عملیات جنایتکارانه "بدر" کشته شده اند بسا تلافیای شوق خلق در ارتگین کرده است."

- فداییان خلق در تهران با پخش اعلامیه تحت عنوان "مباران شهرها و کشتار جمعی مسردم نتیجه ادا به جنگ است" حکام جنگ افروز جمهوری اسلامی را افشا نمودند و از مردم زحمتکش میبخواستند خواستند که بسا شعار صلح علیه رژیم ارتجاعی خمینی بسا خیزند. در قسمت های از اعلامیه آمده است: "بیش از ده هفتاد از میبباران و موشکباران شهرها و مراکز اقتصادی و غیر نظامی کشورمان می گذرد و ابعاد آن هر لحظه گسترش بیشتری می یابد. کشتار بیش از ده هزار نفر از مردم زحمتکش میبخواستند و ویرانی شهرها و روستاها ریشه در ادا به جنگ هستی سوزی دارند که بیش از ده سال است رهبران جمهوری اسلامی در ادا به دیوانه و ارآن اصرار می کنند... مردم شرافتمند و روح دیده: برای پایان دادن به کشتار مردم، برای پایان دادن به جنگ و ویرانگری مادی اعتراض خود را برای ترکند، تنها بسا مبارزه یکپارچه شما مردم علیه حکام جنگ افروزمی توان به جنگ پایان داد. شعار: صلح، صلح، آزادی، صلح، صلح، استقلال، مرگ بر آمریکا، راه رچه گسترش رژیم و ویرانیها و خا نواده، کارخانه و ادارات بیشتر در دهید. مرگ بر جنگ و استبداد، زنده باد صلح و آزادی"

- فداییان خلق در منطقه مرکزی تهران اعلامیه ای تحت عنوان "مباران مناطق مسکونی و کشتار مردم بیگناه ایران و عراق محکوم است" جنگ باید بدرنگ پایان یابد، "بسا وسیعاً پخش کردند. در این اعلامیه آمده است: "فداییان خلق خود را در هر جا که هستی و به شکل ممکن علیه جنگ و رژیم جنگ طلب جمهوری اسلامی بلند کردند، از تهنید و ارباب رژیم نهراسید، بسا گسترش اعتراض و تظاهرات، مخالفت خود را با ادا به جنگ به نما پیش بگذارید."

- فداییان خلق ایران در شوق تهران همزمان بسا حملات هوایی رژیم جنایتکار عراق به شهرهای میبمان، همچنین گسترش عملیات جنگی توسط حکام خائن جمهوری اسلامی، تراکتی به شرح زیر منتشر ساخته و بطور وسیع پخش نمودند: "جنگ بسا بدیدرتگ پایان یابد. مردم مبارز تهیوان، سران خائن و جنگ طلب جمهوری اسلامی، بسا طر مقاصد ارتجاعی، تمام مردم تهران و دستمیدیه تهران و دیگر شهرهای میبمان را قریبانی می کنند. متحد شوید و قریباً در مرگ بر جنگ، زنده باد صلح را در کوچه و خیابان و پشت بام هر خانه طنین انداز سازید."

- فداییان خلق در شوق تهران همچنین تراکت دیگری به شرح زیر انتشار دادند: "جنگ بسا بدیدرتگ بی درنگ پایان یابد. مباران مناطق مسکونی ایران و عراق محکوم است. مردم مبارز! حکام مرتجع جمهوری اسلامی بسا ماجت در ادا به این جنگ فکلت با ربا عت کشتار مردم بی دفاع دستمیدیه شهرها، قتل عام جوانان میبمان در جبهه ها و ویرانی شهرهای کشورمان شده اند. متحد شوید، قریباً با اعتراض خود را بلندتر کنید، اعتراضات خود را به هر شکل ممکن علیه این جنگ خانمانسوز و علیه ارتجاع حاکم بر ایران به نما پیش بگذارید. مرگ بر ارتجاع و استبداد."

- بنیدال اوج گیری جنگ جنایتکارانه رژیمهای ایران و عراق و میبباران شهرهای مختلف میبمان فداییان خلق فعالیتهای افشاگرانه و بسیج گر خویش را افزایش چشمگیری دادند، طی ماههای اسفند، فروردین و اردیبهشت دهها هزار تراکت توسط واحدهای پخش سازمان در نقاط مختلف شهرهای کشور پخش گردید. در تهران در روزهای ۲۶ و ۲۷ اسفند در مناطق بازار امیراکرم، بهیج شمیران، شهر ری و از اعلامیه در دفاع از صلح، علیه جنایات رژیم در زندانها و شهادت فداییان خلق در کشتن گاههای رژیم و حاکمیت پخش های از اسناد پلنوم مهترام کمیته مرکزی سازمان پخش شد. در شرف فروردین ماه واحدهای پخش سازمان هنگام عبور بسا موتور از مقابل صف های طویل اتوبوس در نقاط مختلف تهران و اعلامیه های علیه جنگ و جنگ افروزان، تراکتی بسا مقابله با مفا مین گوناگون پخش نمودند، این عمل بسا استقبال مردم مواجه گردید و اعلامیه ها توسط مردم پخش شده شد.

چندی پیش فداییان خلق در ابتدای خیابان آستانه در میدان امام حسین تهران تعداد زیادی اعلامیه از بالای مسافرخانه پخش نمودند. اعلامیه های مزبور مربوط به مسایل کارگری و اعتراضات کارگران واحدهای مختلف بود. بادیدن اعلامیه ها ما برین بلافاصله جمع شده وعده ای با اشتیاق به جمع آوری

و مطالبه آنها برداختند. بسا از مدت کوتاهی بسا اداران خود را به محل رساندند، و اقدام بسه متفرق کردن مردم نمودند، آنها بسا عجله شروع جمع آوری اعلامیه های باقی مانده کردند. بسا اربسب متسخرو خنده مردم شده وعده ای می گفتند: "اینها برای چه از کا غذمی ترسند؟ بسا از مدتستی تند ادیگری از کمیته جی ها نیز بسه محل آمدند و شروع به کشتن ما برین کردند، مردم به این اعمال اعتراض نمودند. عده دیگری از کمیته جی ها هم بسه تحقیق از منازعه داران محله برداختند. بعضی از اربسب اعلامیه ها را با خود می بردند و آنها را در نقاطی که جلب توجه می کرد قرار می دادند،

تبریز:  
فعالیت گسترده فداییان خلق در آذربایجان وبخصوص تبریز ششم ما موران حکومتی را برانگیخته است. رفقای ما در تبریز مقابله با قابل ملاحظه ای اعلامیه و تراکت افشاگرانه علیه رژیم و علیه جنگ و در رابطه با مسایل گوناگون مردم پخش و نصب نمودند. چندین پیش رفقا مقابله با دیوانه های اعلامیه از بالای ساختمان ۱۱ طبقه برلیان واقع در سه راه امین شریبیه بسا میدان کوروش پخش کردند که بسا استقبال گسترده عا برین موج گردید. بنیدال امین امیر ساداتی بسا لباس شخصی سر بسا خود را بسه محل رساندند و اعلامیه های باقی مانده را بسا عجله جمع آوری کردند. رفقای ما در تبریز در فرصت های مناسب در خیابانها و محلات گوناگون از جمله سه راه بسوفا آباد، بسا عمش، سیلاب، شمن تبریز و سه راه کوچه ایده لی و جویلی دره (بسا از چه سیلاب)، خیابان خمینی، چهارراه منصور، ماسی ران، سرک، چرندآب کوی ولی عصر، دروازه تهران، خیابان حافظ، چهارراه آبرسانی و خیابان آبرسانی، ما بسا بیکرو شهید جیری، بسا میزان زیاده اعلامیه و تراکتی گوناگون در رابطه بسا جنگ، مشکلات و مسایل کارگران و زحمتکشان پخش نمودند.

همچنین در خیابانها و محلات گوناگونی شعارهای سازمان توسط فداییان خلق در تبریز نوشته شد که مضامین آنها عموماً علیه جنگ و علیه رژیم بود.

مجدلسلمان:  
شعر نوینی فداییان خلق در کارخانه تانک سازی مجدلسلمان بسا استقبال کارگران مواجه شد. مسئولان حکومتی که وضع را چنین دیدند، خشمگین شده و از شعارها فیلم برداری کردند و بسا خود بردند. سپس کارگران را از طریق کا بسوفا زیر نظر گرفتند. شعار بود:  
توسط فداییان خلق در شاهرود شعارهای سازمان علیه جنگ و علیه رژیم خمینی در نقاط ورودی و خروجی شهر نوشته شد. این شعارها مدت ها باقی ماند و به خوبی جلب توجه می کرد. این شعارها بسا استقبال مردم شهر مواجه شد.

بندرانزلی:  
فعالیت تبلیغی افشاگرانه فداییان خلق طی ماه های اخیر گسترش زیادی یافته است. طی این مدت اعلامیه ها و تراکت های بی شمار در رابطه بسا جنگ و مسایل گوناگون مردم و علیه رژیم خمینی توسط رفقای ما پخش گردید.

رودسر:  
بازتاب فعالیت گسترده فداییان خلق در رودسر چشمگیر است. طی ماه های اخیر تراکتها و اعلامیه های زیادی توسط رفقای ما در رودسر علیه جنگ و رژیم خمینی پخش گردید و بسا استقبال مردم رودسر مواجه شد. همه جا صحبت از فعالیت گسترده فداییان خلق است.

فارس:  
از سوی فداییان خلق در فارس اعلامیه ای تحت عنوان "پیام به مردم فارس به مناسبت فرارسیدن نوروز" انتشار یافت و بطور وسیع توسط واحدهای پخش سازمان در شیراز و سایر شهرهای استان پخش گردید. در قسمتهای از این اعلامیه آمده است: "سال نو در شرف پشی فرامی رسد که حکام جنگ افروز مردم شریف و زحمتکش ما را دیوانه و اردوستانه تحویل سال در جنگ و ویرانگری قریبانی می نمایند. شهرها را ویران می سازند، جوانان و نوجوانان را در جبهه ها قتل عام می کنند... بیکاری و اخراجها زنده گی مردم را تشنه کرده است. زندانها، پرازیس و انقلابیون، از فرزندان شما زحمتکشان آسپا کشته شده است... خلق کرد را در زیر بمبارانهای دستمیدانه کشتار می کنند. کارگران معترض بسا ستهسهای ضد کارگری حکومت را در کارخانه ها مورد هجوم قنرار می دهند و سرکوب می کنند. دهقانان معترض بسه بسا بگشتن مالکان را دستگیر و به زندان می اندازند، فساد در میان جوانان را... شاع می دهند... زنان و تارکین اندیشی را در دانشگاهها حاکم نموده قرار می دهند... مردم مبارز فارس! علیه جنگ، گواشی، کشتار جوانان، فساد و ارتشاء بسا خیزید!"

### از میان گزارشها

## پیروزی اهالی محله شمس آباد

در روز ۱۸ اردیبهشت ماه تعدادی از نفرات مسلح دادستانی همراه با واحدهای تخریبی شهرداری به محله شمس آباد واقع در شمال غربی محله تهران حمله کردند. آنها قصد داشتند تعدادی از خانه‌ها را به بهانه تصرف عدوانی اراضی تخریب نمایند. این اقدام به خواست زمینی‌خواری صورت گرفت که مدعی اراضی این منطقه بود.

مهاجمین بلافاصله منطقه مورد نظر را محاصره کرده و پس از بیرون راندن ساکنین آن شروع به تخلیه وسایل این منازل نمودند. در همان حالی که پاسداران و مأمورین شهرداری و دادستانی، سائل زندگی مردم زحمتکش این محله را در خیابان بی ریختند، لودرهای اکیب تخریب برای ویران ساختن آن منازل آماده می شدند. ساکنین محله در همان بدو تهاجم گرد آمده بودند، دست به اعتراض زدند.

اجتماع اعتراضی ساکنین محله شمس آباد، پاسداران را متوحش ساخت آنها برای متفرق کردن مردم دست به تیراندازی هوایی زدند. اما با این اقدام مردم نه تنها مرعوب نشدند بلکه به دادن شعار پرداختند. با اوجگیری اعتراض مردم، پاسداران وحشت زده مجبور به گریز شدند.

## مردم علیه اوباشان "حزبالله"

جنايات و تشنگی ریه‌های دستجات اوباشی که حمایت ورهبری علنی حکام خائن جمهوری اسلامی علیه زنا و مردم معترض به جنگ صورت می گیرد، بوج اعتراض و مقاومت و تنفر مردم شهرهای مختلف شوررا برانگیخت. مردم اغلب شهرها در مقابل بین تشنگی ریه‌ها به مقابله برخاستند.

تهران - در تقاطع خیابان جیحون - مالک اشتر نظا هرات اوباشان و جماعت بدستان که راه را بسته به مردم هجوم آوردند، با اعتراض و مقابله اهالی مواجه شد. اهالی و جوانان خشمگین محل با بدن گتک مفصل به اوباشان آنان را از منطقه فراری دادند.

در تهران پارین نیز درگیری شدید بین موتور-بواران "حزبالله" و مردم معترض محل ایجاد تردید و مردم خشمگین "حزبالله" ها را که مزاحم بنامی شدند، شدیداً مضروب کرده آنها را قسراری دادند.

در نازی آباد، منبیره و افسریه - مردم علیه "حزبالله" ها که توسط کمیته وسپاه سازمان داده می شوند و به از روایت مردم در کوه و خیابان بی برادری، اعتراض کردند و به مقابله با آنها پرداختند. مردم شعار می دادند: "مرگ بر حزب اله مع کن بروج اله" ما سبگارتیرنی خوا بیم - ما رهبر پیرنی خوا بیم، نمونه‌های دیگر - زاینکونه نظا هرات و اعتراضات در محله‌های بیمنت و قلعه حسن خان نیز اتفاق افتاده است.

## ساواک‌ها کیهانی جدید

حکام خائن جمهوری اسلامی که با جنبش اوج پاینده نوده‌ها مواججهند برای حفظ رژیم فاسد مردمی خود روز بروز بر تعداد بدنها و ارگانهای رنگارنگ امنیتی و جاسوسی و بازرسی می افزایند. وزارت ساواک خمینی اخیراً دست به ایجاد یک جدید به اسم "سپاه ساگان" زده است. اعضای این بدنها لیاقت شخصی در سطح شهردارال گشت و جاسوسی و شکار میا رزین و مخالفین رژیم هستند. این گروه از اخبار و ویژه‌های برخورداری بود و

شمت و پنجمین سالگرد ... بقیه از صفحه ۵ بخش مردم ایران وارد گردید. علیرغم همه توطئه‌ها که علیه حزب کمونیست ایران صورت گرفت، حزب با درس گیری از تجارب انقلابی خود و با بهره گیری از تجارب جنبش جهانی کمونیستی، راه عمیقاً انقلابی و مردمی اش را کامل تر و دقیق تر از پیش ادامه داد و ضربات و آرده ارتجاع و امپریالیسم را از طریق تجدید سازماندهی و تشریکات از اخبار و ویژه‌های برخورداری بود و زحمتکشان خشن کرد. حزب برپا به پیوند عمیق و استوارش با خواست و آرمان رنجبران ایران، با تکیه بر خرد جمعی و وفاداری به اصول مارکسیسم - لنینیسم، و با کمک کمونیست و رهبری لنین بر اختلافات درونی خود فداکاری و دو کمیته مرکزی واحد تشکیل داد. کنگره دوم حزب کمونیست ایران که در سال ۱۳۰۶ در ارومیه برگزار شد، نقش بسیار مهمی در سر نوشت حزب داشت. کنگره ارزیابی دقیقی

همچون اسلاف ساواکی خود اجازه دارند هر کسی را که دلشان بخواد بیدون هیچ حکم و مدرکی جلب و دستگیر نمایند.

## گسترش کنترل تلفنها

رژیم ناسور و خفان جهت کسب اطلاع از مضمون مکالمات و مکاتبات مردم روز بروز بر دامن کنترل نا مه‌ها و تلفنهای مردم می افزاید. ارگانهای امنیتی رژیم جهت کنترل تلفنهای از شبیه‌های مختلف استفاده می کنند. آنان در وهله اول روسای مخابرات شهرستانها را از بین افراد مورد "اعتماد" خود که بهر نحوی تم می دهند و هر گاری می کنند، انتخاب می نمایند. اینها نیز از طریق سازماندهی افراد هم سنخ خود مکالمات اشخاص مورد نظر را در مرکز مخابرات همان شهر ضبط می نمایند. این کار را برقرار دادن مخصوص روی شمار مورد نظر انجام می پذیرد و اگر مکالمه داخل شهری باشد طرفین مکالمه شناسایی می گردند.

## "خمینی ظالم است"

با ساداری که در جبهه جنگ به شدت مجروح شده بود، در روز ۱۲ اردیبهشت ماه در خیابان طالقانی تهران دست به اعتراض علیه حکومت زد. او در وسط خیابان با صدای بلند انزجار خود را نسبت به سرکردگان رژیم بیان می کرد. پاسداران دیگری که می خواستند او را از آن محل دور کنند، قادر نشدند به آسانی او را تسلیم نمایند.

پاسدار معترض در وسط خیابان در جلوسوی آمبولانس سپاه درآمد کشیده و خیابان را مسدود ساخته بود. او مدام تکرار می کرد: "خمینی ظالم است. همه مسئولین و مقامات ظالمند."

## بازگشت بزرگ مالکان

اراک - اخیراً از سوی مقامات حکومتی و عناصر محلی زمینهای "بیات" فتوای معروف اراک که شامل مقصداری زیادی از اراضی اطراف شهر اراک بود - به اوباش زگردانیده شد. این فرد قبل از انقلاب رابطه نزدیکی با خمینی داشته و آن زمان میانگه گزانی بعنوان سهم امام خمینی پرداخته است. به قول خودش اکنون اوباش خوش خدمتی هایش را در یافت می کنند.

آذربایجان - اخیراً با حکم دادگاه "انقلاب" جلفا و مرشد و مقامات اداره جنگلیاش "حاج عباس سلیمی تقی زاده" بزرگ مالک روستای لیواجان (جلفا) با کله خود رفتن و غنایم مزارع و چراگاههای روستا بازگشته است. بازگشت فتوای مزبور با اعتراض و مقابله روستاییان روبرو شد، و که وضع راجعین دید به ارگانهای سرکوب رژیم، از روستاییان شکایت کرد، آنها نیز چندین نفر از روستاییان را به "جرم" توهین و درگیری با ارباب به دادگاه کشاندند.

تبریز - اخیراً زمینهای روستای یوسف آباد (حومه تبریز) که توسط کشاورزان مدت‌ها قبلاً معادله شده بود، با حکم دادگاه "انقلاب" به مالک سابق این روستا به اسم مجتهدی" بازگردانیده شد. روستاییان به این حکم اعتراض کردند و به مقابله با فتوای مزبور پرداختند. مسئولین حکومتی بی شرمانه اعلام کردند که زمینها "شرعاً" متعلق به مجتهدی است، و روستاییان هیچ حقی بر آن ندارند.

## اعتصاب در بیماران رستان شرکت نفت

در شهر آغا جاری واقع در استان خوزستان، پزشکان، پرستاران و بهیاران بیماران رستان شرکت نفت دست به اعتصاب زدند. علت اعتصاب، اعتراض به رفتار توهین آمیز اعضای انجمن اسلامی و پاسداران کمیته بود که در روز اول اردیبهشت به بهانه مبارزه با بی حجابی به بیماران و کارکنان این بیمارستان حمله کرده بودند. دوازش این حمله وحشیانه عده‌ای از بیماران و کارکنان زحمتکش مضروب گردیده بودند. اعتصاب تا روز نهم اردیبهشت ماه ادامه داشت. در این روز پس از اینکه مسئولین رسماً پوزش خواستند، اعتصاب خاتمه یافت.

## اخراج کارگران در اهواز

در اهواز اخراج کارگران از واحدهای تولیدی افزایش سرسام آوری یافته است. تنهادر اسفندماه قریب ۷۰۰ نفر از سازمان آب و برق خوزستان ۶۰۰ نفر از صنایع فولاد اهواز و ۴۰۰ نفر از کارخانجات نورد اخراج شدند. در شرکت نفت اهواز نیز قرارداد کار ۶۰۰ تن از کارگران تجدید نشد و همه آنها بیگار شدند. برخی از آنها چندین سال سابقه کار قرارداد می در این شرکت داشتند. اخراجهای جمعی در تمامی ماههای بهار نیز ادامه یافته است. در طی این فصل تنها در صنایع فولاد، روزانه ۱۵ تا بیست نفر را از کار بیگار می کنند.

## اعتراض پرسنل تانک سازی

به دنبال گسترش فعالیتها و ضربه‌ها در کارخانه تانک سازی وابسته به صنایع نظامی از طرف بخش عقیدتی و سیاسی این کارخانه دستور داده شد که پرسنل کارخانه هر روز صبح هنگام ورود با زرسی کامل شوند.

این دستور با اعتراض گسترده ۲۰۰۰ نفر از پرسنل این کارخانه مواجه شد. آنان پس از چند روز مقاومت و اعتراض جمعی موفق شدند مسئولین کارخانه را وادار به عقب نشینی و لغو دستور زرسی صبحگاهی بنمایند.

## پیروزی کارگران شرکت "آرام"

تهران - کلیه کارگران شرکت آرام (بکسی از شرکتهای پیمانکار شهردار اکباتان) که پرداخت حقوقشان مدتی به تعویق افتاده بود، دست به اعتصاب زدند. در پی این حرکت استادکاران نیز با کارگران همراهی نموده و به اعتصاب پیوستند. حرکت متحدانه کارگران و استادکاران، مدیریت کارخانه را که قبلاً تصمیم داشت کارگران را اخراج نماید، مجبور به عقب نشینی و قبول درخواستهای آنان نمود.

## دزدی و اختلاس در ارگانها و کارخانجات

اخیراً در بنیاد مورتجک زندگان مسجد سلیمان دزدی بزرگی صورت گرفت، اعتراض هم پیمانان آواران و اجنگ، مقامات حکومتی را بر آن داشت تا جهت سرپوش نهادن به این خیانتها مسئولین فاسد آن بنیاد را با دادخواست نمایند.

رییس بنیاد ممکن شورت نیز اقدام به سرقت میلیونها تومان نموده است، گفته می شود مسئولین استان در این دزدی شریک بوده‌اند.

رییس کارخانه ماشین سازی تبریز نیز با ساخت و پاخت با یک سرما به دارا صفا نی میلیونها تومان به حبیب زده است و دستگاها بوسایل کارخانه را که از سوی کارخانسان ۳۰ میلیون تومان قیمت گذاری شده بود، به مزایده گذاشت و به قیمت ۱۰ میلیون تومان به فرد مذکور فروخته است.

مدیریت کارخانه مشعل سازی به علت دزدی و اختلاس توسط کارگران اخراج گردید، اما منتهی فساد در این کارخانه بقدری بالا گرفته بود که حتی انجمن اسلامی کارخانه نیز مجبور به همکاری با کارگران گردید.

در کارخانه پشم و شیشه شیراز کارگران بعنوان اعتراض به اختلاس چند نفر از مسئولان درهای ورودی رسته و مانع از ورود به کارخانه شدند. کارگران به حکم مسئولین اداره کار و مدیریت کارخانه، دادر بر راجا زه و رود به فراد مزبور اعتراض کردند، حتی هجوم مأمورین ژاندارمری پاسگاه احمدآباد نیز به درخواست مدیر کارخانه صورت گرفته بود، با مقاومت سرسختانه کارگران روبرو گردید و بالاخره مقاومت و ایستادگی پیروان شد کارگران این کارخانه همواره مجبور به عقب نشینی نمود. موفقیت‌های کارگران در سطح منطقه بازتاب وسیعی یافت.

## زود شکست جوانان را از دانشجویان ایرانی

مقیم اروپا سازمان داد. با قرار گرفتن رفیق تقی اراتی در رهبری کمیونستهای ایران دوره پریا ر دیگری از فضا لیست انقلابی سازمان داده شد، اما در سال ۱۳۱۶ بقایای وهبری حزب کمونیست ایران توسط ارتجاع رضاشاهی به زندان افکنده شده و در آن ۱۳۱۷ دکتر تقی اراتی و یارانش را محاکمه کردند و در بهمن سال ۱۳۱۸ رفیق اراتی توسط دژخیمان رژیم در زندان به شهادت رسید. با اینهمه پرچم پرافتخار رژیم کمونیستهای ایران بر زمین نیافتاد، این پرچم به دست حزب توده ایران افراشته نگه داشته شد. دست به دست از زیر آتش رژیم وابسته پهلوی گذشت و اینک به دست فدائیان و توده‌ها به پایش رزم کارگران و رنجبران در اهواز آست. شمت و پنجمین سال تاریخ پریا ر حزب کمونیست و جنبش کمونیستی ایران قاطع ترین گواها میا رسی و بیبریز منسیدی جنبش ماست.

ارزاهیت طبقاتی رژیم رضاخان آرایه داد و از این طریق صفوف حزب را از عناصر پورتنویست و منفعت پرست پاک کرد، کنگره دوم اشتباهات گذشته اول را تصحیح کرد و سیزده ساله ملی را در کشور کویا لمانه ما براساس اصول لنینیست مورد بررسی قرار داد و وحل نمود و اصلاحات لازم به برنام و اساسنامه حزب جهت تدقیق اجراء مختلف ایران و اردوکره، رضاخسان این دست نشاندگان امپریالیسم انگلیس نیز تحت هدایت و کمک اربابش پیگردار و وحشیانه وسیعی را علیه حزب کمونیست ایران به اجراء گذاشت. از آن جمله قانون مجازات اعضای حزب کمونیست ایران و جلوگیری از فعالیت آن که معروف به "قانون سیاه" است را در سال ۱۳۱۰ تصویب مجلس رضاشاهی گرداند. براساس این قانون فعالیت در حزب کمونیست ایران ۱۵ سال محکومیت داشت. در سال ۱۳۱۱ اعضای کمیته مرکزی حزب دستگیر شدند. در سال ۱۳۱۲ حزب با ردیگر دست به سازماندهی فساد

### زندانیان سیاسی آماج شکنجه و اعدام

از آخرین جنجالها و تبلیغات تی سران رژیم دربار به با مطلع رسیدگی به وضع زندانیان سیاسی چند ماهی می گذرد. در جریان این جنجالها رژیم کوشید با پشت منحنه کشیدن لاجوردی جلاوچا بگریزی مهره کمتر شناخته شده ای به نام رازینی داستان سابق مشهور و مستکرا عدام میا رزین بوسیله جرشیل، به سه داستان تی تهران، این تبلیغات را جدی و واقعی جلوه دهد و بزعم خود از خشم و نفرت مردم بگانه د. لیکن هما نظوری که مردم بارها نظر بر این تبلیغات دروغین را تجربه کرده بودند، این بار نیز هیچگونه تغییری در سیاست و شیوه های جنایتکارانه رفتار با زندانیان سیاسی و شکنجه ها و اعدام های مخفیانه مشاهده نکردند. رژیم، حتی از آزادی عده زیادی از محکومین که مدت محکومیتشان به سر رسیده، خود اوری می کند و همچنان سیاست تحمیل شروط ارتجاعی خود بر ای زادی زندانیان را ادامه می دهد. کلیه زندانیان کماکان در وضعیت بلا تکلیفی بسر می برند. حتی محکوم شده ها نیز در حقیقت بلا تکلیفند و هر آن شکنجه و اعدام آنها را تهدید می کند. عده قابل ملاحظه ای مفقود الاثر شده اند و هیچ خبری از آنان در وضعیت آنها در دست نیست. خانواده های آنها نیز به هر قافی می که مراجعه می کنند هیچ پاسخ درستی نمی گیرند.

"نامه مردم" ازگان مسرکزی حزب توده ایران در شماره ۴۹، تحت عنوان چه بلایی بر سر زندانیان مفقود الاثر آمده است می نویسد: در زمره اینگونه زندانیان مفقود الاثر، به باب نمونه می توان از رفقا رحمان ها تفی (مشهور به عبیدمرهان)، روزنامه نگار و نویسنده انقلابی عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، تنگی کی منش غمخور هیات سیاسی که ۲۵ سال از زندگی سر اسرمیازره خود را در اسراهای رژیم سپری کرده است، حسن قزلی، عضو کمیته مرکزی که سالیان در ازبویژه در راه احقاق حقوق خلق کرد مبارزه کرده است و نیز عبیدالرحمن آکا، عضو کمیته مرکزی و نویسنده و محقق نامدار توده ای نام برده که خبری از آنها در زیر شکنجه دهان به دهان می گردد.

آخرین جنایات افشاگرانه دعا های تبلیغاتی سرمداران رژیم، اعدام شدن آنها از جمله هدیه شدن خلق است که تنها نمونه ای از کشتارهای رژیم محسوب می شود. شواهد حاکی از آن است که طی چند ماهه اخیر رژیم مدها تن از زندانیان در بند در مخفیانه اعدام کرده است. همای هوی تبلیغاتی رژیم در رابطه با زندان و زندانیان چیزی بیشتر از یک پوشش برای ادامه جنایات همیشگی وی نیست.

### جنایت تازه دیکتاتور اندونزی

اعدام رفیق محمد منیر را محکوم می کنیم این روزها دیکتاتور اندونزی جنایت دیگری آفرید. مستور سوارتو، محمد منیر عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اندونزی، شخصیت نامدار جنبش کارگری اندونزی، رئیس شورای ملی سازمان مرکزی اتحادیه های اندونزی و نایب رئیس فدراسیون اتحادیه های جهانی به جوخه اعدام سپرده شد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) می بیند که کمیته مرکزی حزب کمونیست اندونزی این جنایت را محکوم کند و شهادت رفیق، محمد منیر را تسلیت گفت. تشدید سیاست ترور و اختناق و کمونیست کشتی در اندونزی، با اعتراض جهانیان مواجه شده است. نیروهای آزادیخواه و مترقی جهان جنایات دیکتاتور اندونزی را محکوم کرده و از بیگانه سازان آزادیخواهان و کمونیستهای اندونزی دفاع می کنند. همه سازمانهای انقلابی و ترقیخواه ایران را قرا می خوانند تا همبدا با همه نیروها، احزاب و سازمانهای انقلابی و ترقیخواه جهان این جنایت را محکوم کنند و به دفاع از انقلابیون در بند رژیم سوارتو برخیزند.

آدرس: **PI. 10 1091 WIEN AUSTRIA**  
اتریش  
حصا بپانگی: **AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARTNER**

### شاهزاده سعود الفیصل در تهران

او خارا در بیست ماه، بنا به دعوت ولایتی وزیر امور خارجه رژیم جمهوری اسلامی، شاهزاده سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان سعودی، در اس هیاتی به ایران آمد. این سفر در شرایطی صورت گرفت که جنگ ایران و عراق با بی مباهاری شهرها و مناطق مسکونی دو کشور شدت یافته بود. رژیم جمهوری اسلامی، در ادامه سیاست نزدیکی به امپریالیستها و دردتداوم برقراری "اخوت اسلامی" با رژیمهای رتجاعی و وابسته ای نظیر پاکستان و ترکیه، اکنون تغییرات محسوسی در روابط خود با دربار سعودی بوجود آورده است. دیدار وزیر خارجه عربستان از ایران با توجه به سیر رویدادها در منطقه بهیچ وجه غیر منتظره نبود. از مدتی پیش سردمداران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی سیاست نزدیکی و دوستی با کشورهای حوزه خلیج فارس و عربستان سعودی را در پیش گرفته اند. خامنه ای رئیس جمهور گفتگویی با الفیصل گفت که "برخی از کشورهای منطقه ممکن است دوست آمریکا باشند ولی با سلطه مخالفند، ما حاضریم با آنها وحدت مهربانی و دوستی داشته باشیم". سران رژیم که تا چندین پیش در بوق و کرنا می دمیدند که دربار سلطنتی سعودی و شیوخ حاکم بر کشورهای شوروی همگامی در تلاش برای رسیدن به هدفهای خود، رژیم سر پرده عربستان سعودی و کشورهای وابسته خلیج را "فدلسطه امپریالیسم معرفی می کنند!" هدف مقدم رژیم خمینی از تعلق از دربار سعودی و شیوخ مرتجع منطقه، قطع یا تعدیل کنگ آنها به رژیم عراق و جستجوی مفری بسیاری بیرون رفتن ازین بست نا ای از جنگ است. اما پرواض است که جنگ با رژیم عراق و دوستی با رژیم سعودی، رژیم خمینی را در یک سمت واحد می کشند و آنهم تسلیم و ذلت هر چه بیشتر در برابر امپریالیسم و ارتجاع منطقه است.

### سیاست سازمان بین المللی کار در خدمت کیست؟

سازمان بین المللی کار، که پراز جنگ جهانی اول، با اهداف دفاع از منافع و حقوق اجتماع های کارگران و دیگر زحمتکشان، توسعه همکاری های متقابل و بهبود بین کشورهای مختلف و تقویت صلح بوجود آمده طی این مدت، میثاق ها و مواضع نامه های متعددی در جهت بهبود قوانین کار و امنیت اجتماعی به تصویب رسانده. اکنون مدتهاست که دچار بحرانی عمیق در سیاست و ساختار خود شده و با اعتراف از اصول و اهداف اساسی خویش به منافع امپریالیسم و جریانهای ارتجاعی خدمت می کند. علت بحران حاکم بر سازمان بین المللی کار، قبل از هر چیز آن است که نمایندگان کشورهای امپریالیستی عضو این سازمان، با گستاخی و لجاجت مانع از طرح و اجرای مواضع نامه های مترقی در مورد حقوق کار و مناسبات دموکراتیک، توسط این سازمان می شوند، تا حدی که تسلط سیاست ارتجاعی ایران بر این سازمان، آنرا به بزاری در دست محافل امپریالیستی بدل کرده است. برخلاف سازمان یونسکو که سیاست مطالبه محافل امپریالیستی نبوده و مورد تحسین امپریالیست انگلیس قرار گرفته و این دو کشور با هدف تضعیف آن از عضویتش خارج شده اند. سیاست حاکم بر سازمان بین المللی کار در قیافتا در راستای "جنگ طبیبی" ریگان علیه نیروهای صلح و ترقی بویژه جامعه کشورهای سوسیالیستی است.

اقدامات تحریک آمیز و مداخله جویانه علیه لهستان سوسیالیستی، نقض کامل مقررات مربوط به همکاری و مناسبات برابر حقوق فیما بین کشورهای عضو، تسبیح در حق کشورهای سوسیالیستی و بی اعتنایی مطلق نسبت به مرمح و تشنج زدایی، حیثیت و اعتبار جهانی این سازمان بین المللی کار را شدیداً خدشه دار کرده است. شرکت گستاخانه این سازمان در جنگ روانی امپریالیستی برای دامن زدن به باطل "مساله لهستان"، آنهم در شرایطی که گدا بندگان آن، سرکوبی و وحشیانه معدنچیان اعصابی انگلیس توسط حکومت تاجر و فتنه پیکار فزاینده علیه حقوق زحمتکشان در کشورهای سرمایه داری و ممالک وابسته به غرب را ادامه داده، معنی گیرند، معنی دیگری جز خیانت به اصول و اهداف سازمان ملل، وارگانهای تابعه آن ندارد.

هم اکنون، جامعه کشورهای سوسیالیستی، دول ترقیخواه و همه سازمانها و ارگانهای وابسته به فدراسیون سندیکایی جهانی، برای تبدیل این سازمان به ارگانی در خدمت حقوق اجتماع کارگران و تقویت صلح، یک شعار را وظیفه مبرم خود اعلام کرده اند: "دموکراتیزه کردن ساختار سازمان بین المللی کار"

### دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان در مسکو

دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان مرداد ماه آینده در مسکو برگزار خواهد شد. بیش از ۵۰ هزار تن دختر و پسر جوان با اعتقادات سیاسی، فلسفی و مذهبی متفاوت از سراسر جهان، زیر شعار "برای همبستگی خدا مهربانستنی، صلح و دوستی" در این اجتماع بر شکوه گردمی آیند و در راه اهداف مشترک با هم میثاق می بندند. هیات های نمایندگان کشورهای مختلف در این جشنواره ملی، منطقی است و بین المللی خود، با شوق بسیار برای برگزینی هر چه باشکوه ترین جشنواره در تلاش اند.

جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان در سال ۱۹۴۵، در راستای تلاش برای تعمیق همکاری و همبستگی بین نیروهای جوان ترقیخواه می گشته مشترکاً علیه فاشیسم هیتلری و امپریالیسم زاپس مبارزه کرده بودند. با گذر ای شدن، از آن زمان تا کنون این جشنواره هر چند سال یک بار در کشورهای مختلف برگزار گردیده است. این جشنواره تجلی شکوه منصفانه است که جوانان و سازمانهای مترقی و پیشرو آنان در راه صلح، دوستی و تنافس بین المللی است.

مصادف شدن دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان با چهلمین سال پیروزی بر فاشیسم ازسوی و شرایط خادین المللی در رابطه با تهدیدات خطرناک امپریالیستها برای برپایی جنگ ویرانگر هسته ای از سوی دیگر، برجستگی اهمیت ویژه ای به گرد همایی جوانان در این جشنواره داده است. جشنواره منموجمل تبادل نظر و اتخاذ مواضع یگانه جوانان کشورهای مختلف در دفاع از صلح جهانی و جلوگیری از خطر جنگ هسته ای و در مساله علیه امپریالیسم جهان نسی است. در این جشنواره همچنین عرصه های گوناگون زندگی و فعالیت جوانان، طرح خواستها و اشکال مختلف جنبشهای جوانان و دانشجویان، همبستگی با خلقهایی که برای آزادی و استقلال می زنند، مسایل همکاری اقتصادی و حفظ امنیست و همکاری بین المللی از منافع اصلی مسورد بررسی و گفتگو خواهد بود.

طی مدت ۱۷ روزه مراسم شرکت کنندگان در جشنواره در جلسات بحث و مناظره حول مسایل مهمی چون: سال بین المللی جوانان، مسایل مربوط به حفظ محیط زیست، مبارزه با فاشیسم، سایل کارگران جوان، زنان جوان، دانشجویان، ورزش، متخصصین و هنرمندان جوان، ... تبادل نظر خواهد شد. تا کنون فعالیت تدارکاتی عظیمی در رابطه با برگزاری جشنواره صورت گرفته است. در چهارمین نشست کمیته بین المللی تدارک جشنواره که چندین پیش در مسکو برگزار شد، بیش از ۱۳۰ هیات از کمیته های تدارک ملی کشورهای مختلف و ۳۵ سازمان بین المللی و منطقه ای، با نزدیک به ۷۰۰ نماینده شرکت داشته اند. این کمیته طی ۴ اجلاس گذشته خود، مسایل مربوط به تعیین محل جشنواره، تعیین کمیسیون دایمی برگزار کننده جشنواره و روش برنامه های جشنواره را مورد بحث قرار داده و با اتفاق نظر حول این مسایل و یک سلسله موضع گیریهای سیاسی جشنواره کارآمدیاتی خورا به انجام رسانیده است. در عین حال اقدامات و فعالیتها کمیته های ملی تدارک کشورهای مختلف توانسته است اهداف و برنامه های استقبال از این جوانان این کشورها معرفی کند. مسایل جوانان کشورهای مزبور را در جلسات بحث و مناظره انعکاس داده و تدارک فعالیت جوانان کشورهای دیگر را انتقال دهد.

در جریان این جشنواره طبعاً پرسشها و بحثهای زیادی بیرون انقلاب ایران، تجربه جوانان ایران در انقلاب، جنگ و وضعیت اختناق و سرکوب موجود علیه جوانان کشور مطرح خواهد شد. هیات شرکت کننده از کشور ما تلاش دارد ضمن توضیح و انعکاس مسایل جوانان ایران به تدارک جوانان کشورهای دیگر در کشورهای مختلف دست یابد و نقش هر چه بیشتری در جشنواره ای بعهده گیرد.

**انتخابات ریاست جمهوری**  
**را تحریم کنید!**  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

# پیش بسوی جبهه متحد خلق